

زور خوب – زور بد

تأملی انتقادی بر دوگانه‌سازی اخلاقی قدرت در سیاست بین‌الملل

مهدی سالم

۲۱ اسفند ۱۴۰۴

چکیده

آیا زور، ذاتاً خوب یا بد است؟ آیا زور و زورگویی خوب و بد داریم؟ آیا این بدو خوب بودن به سطح و دامنه‌ی زورگو بستگی دارد؟ یا نه زورگویی منطق‌گفتمانی ما خوب و زورگویی منطق‌گفتمانی دیگران بد است! یعنی آن‌چه تعیین‌کننده‌ی «خوبی» و «بدی» زور است، هویت کاربر آن و خودی یا ناخودی انگاشتن ما از اوست؟ این مقاله با بررسی رفتار قدرت‌های بزرگ جهانی – آمریکا، روسیه، چین و قدرت‌های استعماری سابق اروپایی – در برابر رفتارهای مشابه جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد که نظام بین‌الملل دچار نوعی دوگانه‌سازی اخلاقی (*Moral Double Standard*) در ارزیابی «زور» و «قدرت» است. هم‌زمان، پرسشی داخل کشوری نیز مطرح می‌شود: اگر از منظر کنشگرانی و با عقل سلیم مردمانی تحول‌خواه، مماشات با قدرت‌های بزرگ، به‌واسطه‌ی قدرت سرکوب و توان زورگویی و اراده‌ی تخریب آن‌ها عقلانی تلقی می‌شود، یعنی آن‌ها، اندیشه‌ی مقاومت را ایدئولوژیک و نابخردانه و دور از تمدن می‌شناسند، آیا این نیروهای تحول‌خواه داخلی نیز نباید همین منطق را مد نظر قرار داده و فرضاً از سازوکارهای مشابهی که در سطح بین‌الملل ترویج می‌کنند و یا معقول می‌شمارند در مبارزات سیاسی داخلی خود بهره بگیرند؟ اموری مشابه تجمیع قدرت میانه، تقویت بازوی تغییر و دیپلماسی تدریجی! که به نظر تعبیر دیگری از همان راهبرد اصلاح‌طلبی انتخاباتی معروف یعنی فشار از پایین و چانه‌زنی از بالاست؟^۱

کلیدواژه‌ها: زور، قدرت، دوگانه‌ی اخلاقی، امپریالیزم، مماشات، تحول‌خواهی، سیاست بین‌الملل، واقع‌گرایی.

^۱ این اثر با کمک هوش مصنوعی داده‌ها، نمونه‌ها و مراجع خود را گردآوری کرده است.

فهرست مطالب

۴	۱	مقدمه: طرح مسئله
۴	۲	چارچوب مفهومی: زور، مشروعیت و دوگانگی اخلاقی
۴	۱.۲	تعریف زور در روابط بین‌الملل
۵	۲.۲	دوگانگی اخلاقی قدرت
۵	۳	مطالعات تطبیقی: زور در عمل
۵	۱.۳	روسیه: از الحاق کریمه تا تجاوز به اوکراین
۵	۲.۳	آمریکا: از الحاق‌های تاریخی تا ادعاهای جدید
۵	۳.۳	چین: سیاست چین واحد و مسئله‌ی تایوان
۶	۴.۳	قدرت‌های استعماری سابق اروپایی
۶	۵.۳	ایران: نیروهای نیابتی و نفوذ منطقه‌ای
۶	۴	پرسش درون‌سیاسی: مماشات با قدرت، استراتژی یا تسلیم؟
۶	۱.۴	قیاس: منطق مماشات در دو سطح
۷	۲.۴	تجمع قدرت میانه در سیاست داخلی
۷	۵	تحلیل: نه زور خوب، نه زور بد - زور هوشمند
۷	۱.۵	وجه اول: مشروعیت
۷	۲.۵	وجه دوم: تناسب
۸	۳.۵	وجه سوم: پاسخ‌گویی
۸	۶	نقد: محدودیت‌های استدلال تقارنی
۸	۷	نتیجه‌گیری
۹	آ	فهرست صاحب‌نظران، آثار و رویکردهای تحلیلی
۱۴	ب	جدول تطبیقی: رفتارهای مشابه، برچسب‌های متفاوت
۱۸	ج	فهرست مستند: مداخلات آمریکا و تناقض با ادعاهای هنجاری
۲۰	د	تفصیل و ارزیابی انتقادی: استدلال چامسکی و هم‌اندیشانش
۲۰	۱.د	خلاصه‌ی استدلال محوری چامسکی
۲۰	۲.د	آثار کلیدی و شواهد ارائه‌شده
۲۱	۳.د	هم‌اندیشان و تکمیل‌کنندگان
۲۱	۱.۳.د	ادوارد هرمن (۱۹۲۵-۲۰۱۷)
۲۱	۲.۳.د	ویلیام بلوم (۱۹۳۳-۲۰۱۸)
۲۲	۳.۳.د	چالمرز جانسون (۱۹۳۱-۲۰۱۰)

۲۲	اندرو بیسویچ (۱۹۴۷-)	۴.۳.د
۲۲	داو لوین: مستندسازی آماری دخالت در انتخابات	۵.۳.د
۲۳	دنیل ایمروار: امپراتوری پنهان	۶.۳.د
۲۳	نقدها و پاسخ‌های وارد بر چامسکی و هم‌اندیشان	۴.د
۲۳	نقدهای اصلی	۱.۴.د
۲۵	ارزیابی انتقادی مستقل: نقاط قوت و ضعف	۵.د
۲۵	نقاط قوت استدلال چامسکی و هم‌اندیشان	۱.۵.د
۲۶	نقاط ضعف و محدودیت‌ها	۲.۵.د
۲۶	نقد هفتم: نگرش «محلی - خودی محور» در داوری اخلاقی	۶.د
۲۶	طرح مسئله	۱.۶.د
۲۷	مکانیزم عمل: چگونه این دوگانه کار می‌کند؟	۲.۶.د
۲۸	ریشه‌های فلسفی و تاریخی این دوگانه	۳.۶.د
۲۹	نمونه‌های تاریخی و معاصر	۴.۶.د
۳۲	تحلیل: چرا این نگرش مشکل‌دار است؟	۵.۶.د
۳۳	صاحب‌نظران مرتبط	۶.۶.د
۳۴	افزودن به جدول ارزیابی تفاوت‌ها	۷.۶.د
۳۴	آزمون فکری: «آینه‌ی معکوس»	۸.۶.د
۳۵	نکته‌ی تکمیلی: بومرنگ استعماری (تز آرت-سزر-فوکو)	۹.۶.د
۳۵	جمع‌بندی نقد «نگرش خودی محور»	۱۰.۶.د
۳۵	جمع‌بندی: چارچوب ارزیابی پیشنهادی	۷.د
۳۶	تفاوت‌ها و مشابهت‌ها: کجا موجه، کجا توجیه‌تراشی؟	۵
۳۶	جدول تفاوت‌ها و ارزیابی	۱.۵
۴۱	خلاصه‌ی ارزیابی تفاوت‌ها	۲.۵
۴۲	فهرست تجمیعی: نمونه‌ها و اتهامات به تفکیک بازیگر	و
۴۲	۱. آمریکا	و
۴۳	۲. روسیه	و
۴۴	۳. چین	و
۴۶	۴. اروپا: قدرت‌های استعماری سابق	و
۴۷	۵. ایران (جمهوری اسلامی)	و
۵۰	ز ماتریس تحلیلی نهایی: رفتار مشابه، واکنش متفاوت	ز
۵۲	۱. خوانش ماتریس	ز
۵۳	ح جمع‌بندی نهایی پیوست‌ها	ح
۵۳	۱. ح آن چه شواهد نشان می‌دهند	ح
۵۳	۲. ح پیشنهاد نهایی: اصل «آینه‌ی برابر»	ح
۵۴	منابع تکمیلی پیوست‌ها	ح

۱ مقدمه: طرح مسئله

در ادبیات روابط بین‌الملل، زور (*Force/Coercion*) همواره یکی از مفاهیم محوری بوده است. از توکیدیدس^۲ تا هابز^۳، از ماکیاولی^۴ تا هانس مورگنتا^۵، اندیشمندان سیاسی بر نقش زور در تنظیم روابط میان واحدهای سیاسی تأکید کرده‌اند. اما پرسشی که کمتر به‌طور صریح مطرح شده، این است:

آیا زور، فی‌نفسه خوب یا بد است؟ یا «خوبی» و «بدی» زور، تابعی از هویت و جایگاه به‌کارگیرنده‌ی آن در سلسله‌مراتب قدرت جهانی است؟

به بیان دیگر: آیا زورگویی جمهوری اسلامی ایران بد است، اما زورگویی آمریکا یا روسیه خوب؟ آیا تحمیل ایدئولوژی لیبرال-دموکراتیک غربی مشروع است، ولی تحمیل ایدئولوژی انقلاب اسلامی نامشروع؟ آیا داشتن صدها پایگاه نظامی در سرتاسر جهان (در مورد آمریکا بیش از ۷۵۰ پایگاه در ۸۰ کشور) مقبول است، اما داشتن چند متحد نیابتی منطقه‌ای (در مورد ایران) خطرناک و مذموم؟ آیا بدی زورگویی و تعدی و سرکوب به مخاطب آن و نسبت آن با زورگو برمی‌گردد؟ یعنی زورگویی و اعمال زور به خودی بد است، ولی اعمال زور و زورگویی به غیر خودی خوب است؟ این مقاله تلاش می‌کند با رویکردی انتقادی و تطبیقی، دوگانه‌سازی اخلاقی نهفته در گفتمان مسلط بین‌المللی در باره‌ی «زور» را آشکار سازد و هم‌زمان، دلالت‌های آن را برای سیاست داخلی ایران بررسی کند.

۲ چارچوب مفهومی: زور، مشروعیت و دوگانه‌ی اخلاقی

۱.۲ تعریف زور در روابط بین‌الملل

در واقع‌گرایی کلاسیک، زور ابزاری خنثی و طبیعی در دست دولت‌ها برای تأمین امنیت و منافع ملی‌شان است. مورگنتا در سیاست میان ملت‌ها^۶ زور را جوهره‌ی سیاست بین‌الملل می‌داند: «سیاست بین‌الملل، مانند هر سیاست دیگری، مبارزه بر سر قدرت است.»

اما نولیبرال‌ها و سازه‌انگاران^۷ استدلال می‌کنند که زور بدون بستر هنجاری (*Normative Context*) قابل ارزیابی نیست. یعنی: زور هنگامی «مشروع» تلقی می‌شود که:

(۱) در چارچوب نهادهای بین‌المللی به‌کار رود (مانند مجوز شورای امنیت)؛

(۲) برای حفاظت از هنجارهای جهان‌شمول (حقوق بشر، دموکراسی) باشد؛

(۳) از سوی بازیگرانی اعمال شود که خود را پاسدار «نظم مبتنی بر قواعد» (*Rules-Based Order*) معرفی می‌کنند.

مشکل آنجاست که تعیین «هنجار جهان‌شمول» و «نظم مبتنی بر قواعد» عملاً در اختیار همان قدرت‌هایی است که بیشترین زور را اعمال می‌کنند. این‌جاست که مفهوم دوگانه‌ی اخلاقی (*Standard Double Morality*) اهمیت پیدا می‌کند.

²Thucydides

³Thomas Hobbes

⁴Niccolò Machiavelli

⁵Hans Morgenthau

⁶*Politics Among Nations*

⁷Constructivists

۲.۲ دوگانه‌ی اخلاقی قدرت

دوگانه‌ی اخلاقی یعنی: یک رفتار واحد، وقتی از سوی «ما» انجام شود، مشروع، ضروری و اخلاقی است؛ ولی همان رفتار، وقتی از سوی «دیگری» انجام شود، نامشروع، خطرناک و غیراخلاقی تلقی می‌شود. نوام چامسکی^۸ در آثار متعدد خود نشان داده است که ایالات متحده دقیقاً همان اعمالی را که در دیگران محکوم می‌کند — مداخله‌ی نظامی، تغییر رژیم، حمایت از نیروهای نیابتی — خود در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر انجام می‌دهد، اما این اعمال در گفتمان مسلط رسانه‌ای و آکادمیک غرب از فیلتر استثنائگرایی (Exceptionalism) عبور داده می‌شوند و مشروع جلوه می‌کنند.

۳ مطالعات تطبیقی: زور در عمل

۱.۳ روسیه: از الحاق کریمه تا تجاوز به اوکراین

روسیه در سال ۲۰۱۴ شبه‌جزیره‌ی کریمه را — با استناد به حفاظت از اقلیت روس‌زبان — ضمیمه‌ی خاک خود کرد و در سال ۲۰۲۲ حمله‌ی تمام‌عیار نظامی به اوکراین را آغاز کرد. بهانه‌ی مسکو روشن بود: اوکراین حق ندارد شریک دفاعی اش (ناتو) را خودش انتخاب کند، زیرا این امر «امنیت ملی» روسیه را تهدید می‌کند. پرسش اساسی این است: اگر تعیین سرنوشت یک ملت (Self-Determination) اصلی پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل است، چگونه روسیه می‌تواند آن را نادیده بگیرد و هم‌زمان مدعی حقانیت باشد؟ اما همین پرسش درباره‌ی رفتار ناتو در گسترش به شرق نیز صادق است: آیا فشار بر روسیه از طریق گسترش ناتو تا مرزهایش، خود نوعی زورگویی ساختاری نبوده است؟

۲.۳ آمریکا: از الحاق‌های تاریخی تا ادعاهای جدید

ایالات متحده کشوری است که بر بنیاد الحاق و توسعه‌ی ارضی ساخته شده است:

- جنگ با مکزیک (۱۸۴۶-۱۸۴۸) و الحاق تگزاس، کالیفرنیا و بخش وسیعی از جنوب غرب؛
- الحاق هاوایی (۱۸۹۸) علی‌رغم مخالفت بومیان پولینزیایی و سرنگونی پادشاهی هاوایی؛
- تصرف فیلیپین، پورتوریکو و گوام پس از جنگ با اسپانیا؛
- مداخلات متعدد در آمریکای لاتین (گواتمالا، شیلی، نیکاراگوئه، پاناما و ...).

در دوره‌ی معاصر، اظهارات مقامات آمریکایی درباره‌ی الحاق گرینلند، فشار بر کانادا و کنترل کانال پاناما، امتداد تاریخی همین منطق توسعه‌طلبانه است. اما این رفتار در گفتمان بین‌المللی نه «تهاجم» بلکه «حفاظت از منافع استراتژیک» نامیده می‌شود.

۳.۳ چین: سیاست چین واحد و مسئله‌ی تایوان

جمهوری خلق چین بر اساس سیاست «چین واحد» (Policy China One)، تایوان را بخشی جدایی‌ناپذیر از سرزمین اصلی می‌داند و حق استفاده از زور نظامی برای «بازگرداندن» آن را برای خود محفوظ داشته است — فارغ از خواست و اراده‌ی ۲۳ میلیون نفر جمعیت تایوان که اکثریت آن‌ها هویتی مستقل از چین سرزمین اصلی دارند.

⁸Noam Chomsky

نکته‌ی تاریخی آن است که ساکنان تایوان (عمدتاً پیروان حزب ملی‌گرا / کومینتانگ) از ابتدا در مخالفت با حزب کمونیست به این جزیره مهاجرت کردند و مسیر سیاسی متفاوتی را طی کردند. اما این تمایز تاریخی در محاسبات ژئوپلیتیک پکن جایی ندارد.

۴.۳ قدرت‌های استعماری سابق اروپایی

انگلستان، فرانسه، بلژیک، اسپانیا، پرتغال و هلند قرن‌ها رسماً سرزمین‌های دیگران را تصرف کردند، منابع‌شان را غارت کردند و مردمان‌شان را به بردگی و استثمار کشاندند. فروپاشی رسمی استعمار به معنای پایان این مناسبات نبود؛ بلکه شیوه‌ها تغییر کرد:

- از استعمار مستقیم به نواستعمار (Neocolonialism)؛
- از اشغال نظامی به سلطه‌ی اقتصادی (از طریق نهادهایی چون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول)؛
- از تحمیل فرهنگی آشکار به هژمونی فرهنگی نرم (Hegemony Power Softlr).

۵.۳ ایران: نیروهای نیابتی و نفوذ منطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران از طریق حمایت از نیروهای نیابتی در لبنان (حزب‌الله)، عراق (حشد الشعبی)، یمن (انصارالله) و سوریه نفوذ منطقه‌ای خود را گسترش داد. این رفتار در گفتمان غربی «بی‌ثبات‌کننده»، «تروریستی» و «خطرناک» خوانده می‌شود.

اما پرسش تطبیقی این است: اگر آمریکا با بیش از ۷۵۰ پایگاه نظامی در سراسر جهان، و روسیه با حضور نظامی در سوریه و آفریقا (گروه واگنر/آفریقا کورپس)، و فرانسه با پایگاه‌های متعدد در آفریقای غربی و مرکزی، «قدرت‌های مسئول» هستند، چرا ایران با تعداد محدودی متحد منطقه‌ای «تهدید صلح جهانی» تلقی می‌شود؟

۴ پرسش درون‌سیاسی: مماشات با قدرت، استراتژی یا تسلیم؟

بخش دوم پرسش اصلی این مقاله ناظر به سیاست داخلی ایران است. اگر در عرصه‌ی بین‌المللی، مماشات (Appeasement / Engagement) با قدرت‌های بزرگ، «عقلانی» و «واقع‌بینانه» تلقی می‌شود — چنان‌که مارک کارنی^۹، نخست‌وزیر کانادا، در اجلاس داووس ۲۰۲۵ پیشنهاد «تجمیع قدرت‌های میانه» (Powers Middle of Coalition) را مطرح کرد — آیا همین منطق نباید در مواجهه‌ی نیروهای تحول‌خواه ایرانی با جمهوری اسلامی نیز به کار رود؟

۱.۴ قیاس: منطق مماشات در دو سطح

به بیان دیگر: اگر به کانادا و اروپا گفته می‌شود «با ترامپ درنیفتید، قدرت‌تان را جمع کنید و هوشمندانه بازی کنید»، چرا نباید به تحول‌خواهان ایرانی نیز گفت: «به جای رویارویی خام، قدرت خود را تجمیع کنید، بازوی تغییر را تقویت کنید و از ابزارهای تدریجی ولی مؤثر استفاده کنید»؟

⁹Mark Carney

مؤلفه	سطح بین‌المللی	سطح داخلی ایران
قدرت مسلط	آمریکا / روسیه / چین	جمهوری اسلامی
بازیگر ضعیف‌تر	قدرت‌های میانه	نیروهای تحول‌خواه
راهبرد پیشنهادی	تجمع قدرت میانه	ائتلاف و تقویت بازوی تغییر
ابزار	دیپلماسی، اقتصاد، اتحاد	مدنیت، شبکه‌سازی، مقاومت هوشمند

جدول ۱: قیاس منطق مماشات در دو سطح تحلیل

۲.۴. تجمع قدرت میانه در سیاست داخلی

مفهوم «قدرت میانه» (Power Middle) در ادبیات روابط بین‌الملل ناظر به کشورهایی است که نه ابرقدرتند و نه ضعیف، اما با ائتلاف‌سازی و نهادسازی می‌توانند بر معادلات تأثیر بگذارند. این مفهوم را می‌توان به سیاست داخلی نیز ترجمه کرد:

آ) شناسایی نیروهای میانه: طبقه‌ی متوسط، تکنوکرات‌ها، روشنفکران، فعالان مدنی، اصلاح‌طلبان درون حکومتی و بیرون حکومتی؛

ب) ائتلاف‌سازی: ایجاد اتحادهای موقتی و موضوعی (نه لزوماً ایدئولوژیک) حول مطالبات مشترک؛

ج) نهادسازی غیررسمی: تقویت شبکه‌های اجتماعی، صنفی و فرهنگی که ظرفیت بسیج اجتماعی دارند؛

د) استفاده از شکاف‌های درون حاکمیتی: بهره‌گیری از اختلافات درونی حاکمیت برای گشودن فضاهای جدید.

ه) حمایت هوشمند از ناجنبش‌ها: ناجنبش‌هایی نظیر زنان، اقلیت‌های جنسی، تکنوکرات‌ها، صنعت‌گران و نظایر آن می‌توانند به شکل غیر مستقیم و غیر سیاسی رنگ و چهره‌ی سیاسی را تغییر دهند و آن‌را مجبور به تغییر رفتار کنند که در فاز بعدی توسط کنش‌گران سیاسی قابل استفاده و بهره‌برداری باشد.

۵. تحلیل: نه زور خوب، نه زور بد - زور هوشمند

از منظر تحلیلی، پاسخ به پرسش «زور خوب یا زور بد» نه در ذات زور، بلکه در شیوه‌ی به‌کارگیری، بستر هنجاری و نتایج آن نهفته است. می‌توان مدلی سه‌وجهی پیشنهاد کرد:

۱.۵. وجه اول: مشروعیت

هر اعمال زوری باید در چارچوب حداقلی از مشروعیت بین‌المللی یا داخلی قرار گیرد. مشروعیت نه لزوماً به معنای مجوز شورای امنیت (که خود ابزار قدرت‌های پنج‌گانه است)، بلکه به معنای همراهی بخش قابل‌توجهی از جامعه‌ی بین‌المللی یا ملی است. مقوله‌ی افکار عمومی، عقل سلیم، خواست جمهور مردم، نظرسنجی‌های معتبر و نظایر آن باید جدی گرفته شده و قطب‌نمای مشروعیت یا عدم مشروعیت کنش‌های سیاسی و بین‌المللی باشند. همچنین بر روی هم سرنوشتی و افق بلند مدت داشتن در سطح جهانی بین جوامع مختلف باید تأکید کرد. همانگونه که ایده‌ی یک زمین، یک مردم می‌توانست به توافق‌های مهم محیط زیستی منجر شود.

۲.۵. وجه دوم: تناسب

اصل تناسب (Proportionality) ایجاب می‌کند که زور به‌کاررفته متناسب با هدف و تهدید باشد. حمله‌ی تمام‌عیار روسیه به اوکراین، یا تحریم‌های فلج‌کننده‌ی آمریکا علیه غیرنظامیان ایرانی، هر دو ناقض این اصلند.

۳.۵ وجه سوم: پاسخ‌گویی

هر بازیگری که زور اعمال می‌کند باید در برابر پیامدهای آن پاسخ‌گو باشد. مشکل نظام کنونی بین‌المللی آن است که قدرت‌های بزرگ عملاً از هر نوع پاسخ‌گویی مؤثری معاف هستند (حق وتو در شورای امنیت، عدم پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری و ...).

۶ نقد: محدودیت‌های استدلال تقارنی

باید به نقدی مهم نیز اشاره کرد: استدلال «همه زور می‌زنند، پس زور ما هم مجاز است» - اگر به ساده‌ترین شکلش فروکاسته شود - می‌تواند به نسبی‌گرایی اخلاقی مطلق (*Relativism Moral*) منجر شود که در آن هیچ رفتاری قابل نقد نیست.

هدف این مقاله نه توجیه زور هیچ بازیگری، بلکه آشکارسازی ناهمسانی در داوری (*Judgment in Inconsistency*) است. به بیان دیگر:

- یا باید اصول را جهان‌شمول اعمال کرد (حاکمیت ملی، حق تعیین سرنوشت، عدم مداخله برای همه، از جمله ایران)؛
- یا باید اذعان کرد که نظام بین‌الملل نه بر اساس «قواعد» بلکه بر اساس قدرت عمل می‌کند و «قواعد» صرفاً پوششی برای منافع قدرتمندان است.

۷ نتیجه‌گیری

۱. زور ذاتاً نه خوب است و نه بد؛ آن‌چه خوب و بد است، بستر، شیوه، تناسب و پاسخ‌گویی در به‌کارگیری زور است.
۲. دوگانه‌ی اخلاقی در گفتمان مسلط بین‌المللی واقعی و مستند است: رفتار مشابه از سوی قدرت‌های بزرگ «طبیعی» و از سوی بازیگران ضعیف‌تر «خطرناک» تلقی می‌شود.
۳. در عرصه‌ی داخلی، اگر مماشات با قدرت‌های بزرگ «عقلانیت» است، مماشات هوشمند نیروهای تحول‌خواه با حاکمیت - نه به معنای تسلیم، بلکه به معنای تجمیع قدرت میانه و تقویت تدریجی بازوی تغییر - نیز عقلانی است.
۴. هر بازی - چه در عرصه‌ی بین‌المللی و چه در عرصه‌ی داخلی - را می‌توان خوب (هوشمندانه و برنده) یا بد (بازنده و ویرانگر) بازی کرد. تعیین‌کننده نه ذات زور، بلکه هوشمندی در به‌کارگیری آن است.

«قدرتمند آن‌چه می‌تواند انجام می‌دهد و ضعیف آن‌چه باید تحمل می‌کند.»

- توکیدیدس، جنگ پلوپونزی

اما پرسش اصلی این است: آیا باید اخلاق بین‌الملل را بر این واقعیت تلخ بنا کرد، یا می‌توان و باید آن را به چالش کشید؟

آ فهرست صاحب نظران، آثار و رویکردهای تحلیلی

در این پیوست، مهم‌ترین اندیشمندان و نویسندگانی که به موضوع دوگانه‌ی اخلاقی قدرت، امپریالیسم، استتنگرای آمریکایی و نقد نظم مسلط بین‌المللی پرداخته‌اند، به همراه آثار اصلی‌شان فهرست شده‌اند.

جدول ۲: فهرست جامع صاحب‌نظران و آثار کلیدی در نقد دوگانه‌ی اخلاقی قدرت

ردیف	نام	اثر/آثار اصلی	رویکرد نظری	حوزه‌ی تمرکز	استدلال محوری
۱	نوام چامسکی ^{۱۰}	هژمونی یا بقا (۲۰۰۳)؛ دولت‌های شکست‌خورده (۲۰۰۶)؛ چه کسی بر جهان حکم می‌راند؟ (۲۰۱۶)؛ ساخت رضایت ^{۱۱}	زبان‌شناسی انتقادی، آنارشسیسم، چپ آزادیخواه	سیاست خارجی آمریکا، رسانه و پروپاگاندا	آمریکا دقیقاً همان اعمالی را که محکوم می‌کند در مقیاسی بزرگ‌تر انجام می‌دهد؛ رسانه‌ها «فیلتر رضایت» ایجاد می‌کنند.
۲	جان میرشایمر ^{۱۲}	تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ (۲۰۰۱)؛ توهم بزرگ ^{۱۳} ؛ سخنرانی ۲۰۱۵ درباره‌ی اوکراین	واقع‌گرایی تهاجمی	گسترش ناتو، بحران اوکراین، لابی اسرائیل	گسترش ناتو به شرق، تحریک روسیه بود؛ آمریکا با ترویج لیبرالیسم در خارج، بحران‌های بیشتری ایجاد کرده.
۳	ادوارد سعید ^{۱۴}	شرق‌شناسی (۱۹۷۸)؛ فرهنگ و امپریالیسم (۱۹۹۳)	پسااستعماری، نقد فرهنگی	بازنمایی «دیگری» شرقی، امپریالیسم فرهنگی	غرب «شرق» را به‌عنوان «دیگری» ذاتاً متفاوت و فروتر بازسازی می‌کند تا سلطه‌ی خود را مشروع جلوه دهد.
۴	ویلیام بلوم ^{۱۵}	کشتن امید ^{۱۶} ؛ دولت یاغی ^{۱۷}	تاریخ‌نگاری انتقادی	مداخلات نظامی و پنهانی آمریکا پس از ۱۹۴۵	فهرستی مستند از بیش از ۵۰ مورد مداخله‌ی آمریکا در سرنگونی دولت‌ها یا سرکوب جنبش‌های مردمی.
ادامه در صفحه‌ی بعد...					

ردیف	نام	اثر/آثار اصلی	رویکرد نظری	حوزه‌ی تمرکز	استدلال محوری
۵	چالمرز جانسون ^{۱۸}	سه‌گانه‌ی بازتاب ^{۱۹}	واقع‌گرایی انتقادی	امپراتوری پایگاه‌های نظامی آمریکا	آمریکا یک امپراتوری غیررسمی پایگاه‌محور است؛ «بازتاب» عواقب ناخواسته‌ی این امپراتوری است.
۶	اندرو بیسویچ ^{۲۰}	امپراتوری آمریکایی ^{۲۱} ؛ محدودیت‌های قدرت ^{۲۲} ؛ عصر توهمات ^{۲۳}	محافظه‌کاری انتقادی	نظامی‌گری آمریکا، سیاست خارجی	نظامی‌گری آمریکا نه تنها اخلاقاً مشکل‌دار بلکه استراتژیکاً شکست‌خورده است. (بیسویچ نظامی سابق و محافظه‌کار است.)
۷	استیون والت ^{۲۴}	جهنم نیت‌های خوب ^{۲۵} ؛ لابی اسرائیل ^{۲۶}	واقع‌گرایی دفاعی	سیاست خارجی آمریکا، هژمونی لیبرال	«بلا ب سیاست خارجی» آمریکا (نخبگان سیاست خارجی) منافع خود را به نام منافع ملی پیش می‌برند.
۸	هاوارد زین ^{۲۷}	تاریخ مردمی ایالات متحده ^{۲۸}	تاریخ‌نگاری از پایین	تاریخ داخلی و خارجی آمریکا از منظر حاشیه‌نشینان	تاریخ آمریکا، تاریخ الحاق، غصب، نسل‌کشی و جنگ است — نه «روایت پیشرفت و آزادی».
۹	فرانتس فانون ^{۲۹}	دوزخیان روی زمین ^{۳۰} ؛ پوست سیاه، نقاب‌های سفید (۱۹۵۲)	پسااستعماری، روان‌شناسی سیاسی	استعمار فرانسه در الجزایر، خشونت استعماری	استعمار هم استثمار اقتصادی و هم ویرانی روانی-فرهنگی است؛ خشونت استعمارشده «پاسخ» به خشونت استعمارگر است.
۱۰	والتر رادنی ^{۳۱}	چگونه اروپا آفریقا را توسعه‌نیافته کرد ^{۳۲}	مارکسیسم، وابستگی	استعمار اروپایی در آفریقا	توسعه‌نیافتگی آفریقا نتیجه‌ی طبیعی نیست، بلکه محصول قرن‌ها غارت سیستماتیک اروپایی است.
ادامه در صفحه‌ی بعد...					

ردیف	نام	اثر/آثار اصلی	رویکرد نظری	حوزه‌ی تمرکز	استدلال محوری
۱۱	کوامه نکرومه ^{۳۳}	نواستعمار: آخرین مرحله‌ی امپریالیزم ^{۳۴}	پان آفریکانیسم، سوسیالیزم	نواستعمار و سلطه‌ی اقتصادی	پایان استعمار رسمی به معنای پایان سلطه نیست؛ نواستعمار از ابزارهای اقتصادی-سیاسی برای ادامه‌ی استثمار استفاده می‌کند.
۱۲	آلفرد مک‌کوی ^{۳۵}	در سایه‌ی قرن آمریکایی ^{۳۶} ؛ سیاست هروئین در جنوب شرقی آسیا ^{۳۷}	تاریخ‌نگاری انتقادی	نظارت جهانی، شکنجه، امپراتوری آمریکا	آمریکا از شکنجه، نظارت و قاچاق مواد مخدر به‌عنوان ابزار حفظ هژمونی استفاده کرده و سپس همین رفتارها را در دیگران محکوم کرده.
۱۳	نائومی کلاین ^{۳۸}	دکترین شوک ^{۳۹}	نقد اقتصاد سیاسی	نولیبرالیسم و بهره‌برداری از بحران	قدرت‌های غربی از بحران‌ها (جنگ، کودتا، فاجعه‌ی طبیعی) برای تحمیل سیاست‌های نولیبرالی استفاده می‌کنند — نوعی زور اقتصادی سیستماتیک.
۱۴	ویجای پراشاد ^{۴۰}	ملت‌های تاریک‌تر ^{۴۱} ؛ ستاره‌ی قرمز بر جهان سوم ^{۴۲}	مارکسیسم، جهان‌سوم‌گرایی	جنش عدم تعهد، تاریخ جهان سوم	نظم بین‌المللی بر ضد کشورهای جنوب طراحی شده؛ جنش عدم تعهد تلاشی برای شکستن دوگانه‌ی سلطه بود.
۱۵	مایکل پرنٹی ^{۴۳}	علیه امپراتوری ^{۴۴} ؛ چهره‌ی امپریالیزم ^{۴۵}	مارکسیسم، نقد رسانه	امپریالیزم آمریکایی، رسانه	امپریالیزم نه سیاستی اختیاری بلکه نتیجه‌ی ساختاری سرمایه‌داری جهانی است.
ادامه در صفحه‌ی بعد...					

ردیف	نام	اثر/آثار اصلی	رویکرد نظری	حوزه‌ی تمرکز	استدلال محوری
۱۶	دنیل ایمروار ^{۴۶}	چگونه امپراتوری آمریکا را پنهان کنیم ^{۴۷}	تاریخ‌نگاری	سرزمین‌های فراموش‌شده‌ی آمریکا	آمریکا یک امپراتوری ارضی واقعی است اما نقشه‌اش را طوری می‌کشد که این واقعیت پنهان بماند (فیلیپین، گوام، ساموآ، ...).

ب جدول تطبیقی: رفتارهای مشابه، برجسب‌های متفاوت

جدول زیر رفتارهای مشابه قدرت‌های بزرگ را در کنار هم قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه یک رفتار واحد، بسته به هویت بازیگر، برجسب‌های اخلاقی متفاوتی دریافت می‌کند.

جدول ۳: مقایسه‌ی تطبیقی رفتارها و برجسب‌های اخلاقی

ایران	اروپا (استعماری)	چین	روسیه	آمریکا	نوع رفتار
بدون الحاق ارضی مستقیم اما برجسب: «توسعه‌طلبی ایدئولوژیک»	قرن‌ها استعمار مستقیم در آفریقا، آسیا، آمریکا برجسب: «دوران گذشته»، «رسالت تمدنی»	تبت (۱۹۵۰)، ادعای تایوان، جزایر دریای جنوب چین برجسب: «توسعه‌طلبی تهدیدآمیز»	کریمه (۲۰۱۴)، دونباس، خرسون، زاپوریژیا (۲۰۲۲) برجسب: «تجاوز»، «نقض تمامیت ارضی»	تگزاس (۱۸۴۵)، هاوایی (۱۸۹۸)، فیلیپین، پورتوریکو، گوام؛ ادعاهای اخیر: گرینلند، کانادا برجسب: «سرنوشت آشکار»، «امنیت ملی»	الحاق ارضی / توسعه‌طلبی سرزمینی
بدون پایگاه نظامی رسمی خارجی اما برجسب: «نفوذ نظامی بی‌ثبات‌کننده»	فرانسه: پایگاه در ۱۰+ کشور آفریقایی؛ انگلیس: پایگاه در قبرس، جبل الطارق و ... برجسب: «تعهدات دفاعی»	پایگاه در جیبوتی، جزایر مصنوعی دریای جنوب چین برجسب: «نظامی‌سازی غیرقانونی»	پایگاه در سوریه، لیبی، آفریقا (واگنر)، آسیای مرکزی برجسب: «نظامی‌گری تهاجمی»	بیش از ۷۵۰ پایگاه در ۸۰+ کشور ^{۴۸} برجسب: «تضمین ثبات جهانی»	پایگاه‌های نظامی خارجی
حزب‌الله، حشد الشعبی، انصارالله برجسب: «حامی تروریسم»، «محور شرارت»	فرانسه و بلژیک در آفریقا (حمایت از شبه‌نظامیان دوست) برجسب: «مدیریت بحران»	— (رویکرد متفاوت: عمدتاً اقتصادی)	جدایی طلبان دونباس، گروه واگنر برجسب: «جنگ هیبریدی»، «تروریسم دولتی»	مجاهدین افغان (۱۹۸۰ها)، کنتراها در نیکاراگوئه، معارضان سوری، نیروهای کرد سوریه برجسب: «مبارزان آزادی»، «شرکای محلی»	حمایت از نیروهای نیابتی

نوع رفتار	آمریکا	روسیه	چین	اروپا (استعماری)	ایران
تغییر رژیم / کودتا	ایران ۱۹۵۳، گواتمالا ۱۹۵۴، شیلی ۱۹۷۳، عراق ۲۰۰۳، لیبی ۲۰۱۱ (و ده‌ها مورد دیگر) برچسب: «ترویج دموکراسی»، «حفاظت از غیرنظامیان»	اوکراین از نگاه مسکو (کودتای ۲۰۱۴)؛ جورجیا ۲۰۰۸ برچسب: «بی‌ثبات‌سازی»	— (رویکرد غیرنظامی اما فشار اقتصادی)	انگلیس: مصدق ایران (با آمریکا)؛ فرانسه: دخالت در آفریقا برچسب: «دخالت تاریخی»	بدون سابقه‌ی مستقیم کودتای خارجی اما برچسب: «صدور انقلاب»
تحریم اقتصادی / فشار اقتصادی	تحریم‌های گسترده علیه ایران، کوبا، ونزوئلا، کره‌ی شمالی، روسیه برچسب: «فشار حداکثری»، «جایگزین جنگ»	قطع گاز اروپا برچسب: «سلاح‌سازی انرژی»	فشار اقتصادی بر تایوان، استرالیا، لیتوانی برچسب: «اجبار اقتصادی»	تحریم‌ها از طریق اتحادیه اروپا برچسب: «ابزار حقوق بشری»	— (تحت تحریم است، نه تحریم‌کننده) برچسب: «دور زدن تحریم‌ها»
دخالت در انتخابات / فرایندهای سیاسی دیگران	ایتالیا ۱۹۴۸، شیلی ۱۹۷۰، نیکاراگوئه ۱۹۸۴، ایران ۱۹۵۳، بسیاری موارد دیگر ^{۴۹} برچسب: «حمایت از نیروهای دموکراتیک»	انتخابات آمریکا ۲۰۱۶ (ادعایی)، دخالت در اروپای شرقی برچسب: «جنگ اطلاعاتی»، «تهدید دموکراسی»	نفوذ در سیاست استرالیا، کانادا، آفریقا برچسب: «نفوذ مخرب»	فرانسه: دخالت مستمر در انتخابات آفریقای فرانسوی‌زبان برچسب: «روابط تاریخی»	ادعاهای مبنی بر حمایت از گروه‌های شیعه عراق برچسب: «دخالت فرقه‌ای»

ایران	اروپا (استعماری)	چین	روسیه	آمریکا	نوع رفتار
سرکوب معترضان، حجاب اجباری برچسب: «نقض فاحش حقوق بشر»	استعمار (تاریخی)؛ رفتار با مهاجران و اقلیت‌ها (معاصر) برچسب: «چالش‌های داخلی»	اویغورها، تبت، سرکوب هنگ‌کنگ برچسب: «نسل‌کشی فرهنگی»	سرکوب مخالفان، ناوالنی، بمباران غیرنظامیان سوریه برچسب: «نقض سیستماتیک حقوق بشر»	ابوغریب، گوانتانامو، برنامه‌ی شکنجه‌ی سیا (Enhanced Interrogation)، بازداشت بدون محاکمه برچسب: «اقدامات امنیتی استثنایی»	نقض حقوق بشر / شکنجه
برنامه‌ی هسته‌ای صلح‌آمیز (ادعایی) برچسب: «تهدید وجودی»، «حاشیه‌ی سلاح هسته‌ای»	انگلیس و فرانسه: دارنده‌ی سلاح هسته‌ای برچسب: «بازدارندگی اروپایی»	سومین زرادخانه‌ی هسته‌ای؛ گسترش سریع برچسب: «تهدید نوظهور»	بزرگ‌ترین زرادخانه‌ی هسته‌ای؛ تهدیدهای هسته‌ای در جنگ اوکراین برچسب: «باج‌گیری هسته‌ای»	بزرگ‌ترین زرادخانه‌ی هسته‌ای جهان؛ تنها کشوری که بمب اتم استفاده کرده (هیروشیما و ناگازاکی) برچسب: «بازدارندگی مسئولانه»	سلاح هسته‌ای / برنامه‌ی هسته‌ای

ج فهرست مستند: مداخلات آمریکا و تناقض با ادعاهای هنجاری

این پیوست فهرست تفصیلی مداخلات آمریکا - نظامی، پنهانی و اقتصادی - را ارائه می‌دهد و در هر مورد نشان می‌دهد که همان رفتار در دیگران چگونه محکوم شده است.

جدول ۴: فهرست مداخلات آمریکا و تناقض با اصول اعلامی

#	سال	کشور هدف	نوع مداخله	توجیه رسمی	تناقض / همان رفتار در دیگری
۱	۱۸۴۶-۴۸	مکزیک	جنگ تمام‌عیار؛ الحاق نیمی از خاک مکزیک (تگزاس، کالیفرنیا، نیومکزیکو و ...)	«سرنوشت آشکار» (<i>Destiny Manifest</i>)	الحاق کریمه توسط روسیه «تجاوز» خوانده می‌شود، اما الحاق نیمی از مکزیک «گسترش طبیعی»
۲	۱۸۹۳-۹۸	هاوایی	سرنگونی ملکه لیلیئوکالانی با حمایت تفنگداران دریایی آمریکا؛ الحاق در ۱۸۹۸	«حفاظت از شهروندان آمریکایی» (کشاورزان نیشکر)	تایوان حق تعیین سرنوشت دارد (در برابر چین)، اما هاوایی نداشت (در برابر آمریکا)؟
۳	۱۹۵۳	ایران	کودتای سیا/MI6 علیه مصدق؛ بازگرداندن شاه	«مقابله با کمونیزم»، «ثبات منطقه»	«صدور انقلاب» ایران محکوم است، اما «صدور کودتا» آمریکا «حفظ ثبات» بود
۴	۱۹۵۴	گواتمالا	کودتای سیا علیه آربنز (منتخب دموکراتیک) به نفع شرکت یونایتد فروت	«مقابله با کمونیزم»	آمریکا مدعی «ترویج دموکراسی» است اما رئیس‌جمهور منتخب را سرنگون کرد
۵	۱۹۶۱	کوبا	حمله‌ی خلیج خوک‌ها؛ ده‌ها تلاش ترور فیدل کاسترو	«آزادسازی کوبا»	آمریکا «ترور هدفمند» ایران را محکوم می‌کند اما خود ده‌ها بار تلاش ترور رهبر کوبا را سازمان داد
۶	۱۹۶۴-۷۵	ویتنام	جنگ تمام‌عیار؛ بیش از ۲ میلیون کشته ویتنامی؛ بمباران گسترده لائوس و کامبوج	«مهار کمونیزم» (دکترین دومینو)	حمله‌ی روسیه به اوکراین «تجاوز» است؛ حمله‌ی آمریکا به ویتنام «دفاع از آزادی» بود
۷	۱۹۷۳	شیلی	کودتای پینوشه با حمایت سیا علیه آنده (منتخب دموکراتیک)؛ ۱۷ سال دیکتاتوری	«مقابله با سوسیالیسم»	سرنگونی یک دموکراسی به نفع دیکتاتوری نقض مطلق «ارزش‌های دموکراتیک» آمریکاست

ادامه در صفحه‌ی بعد...

#	سال	کشور هدف	نوع مداخله	توجیه رسمی	تناقض / همان رفتار در دیگری
۸	۱۹۷۹-۹۰	نیکاراگوئه	تأمین مالی و تسلیح کنتراها؛ محکومیت در دیوان بین‌المللی دادگستری (<i>v. Nicaragua ICJ</i>) (USA، ۱۹۸۶)	«مقابله با ساندینیست‌ها»	آمریکا محکومیت دیوان بین‌المللی دادگستری را پذیرفت - همان رفتاری که در روسیه و چین محکوم می‌کند
۹	۱۹۸۳	گرانادا	حمله‌ی نظامی بدون مجوز سازمان ملل	«حفاظت از شهروندان آمریکایی»	«مداخله‌ی بشردوستانه» - همان توجیهی که روسیه برای کریمه آورد
۱۰	۱۹۸۹	پاناما	حمله‌ی نظامی؛ دستگیری نوریگا (متحد سابق سیا)	«مبارزه با قاچاق مواد مخدر»	حمله به یک کشور مستقل برای دستگیری رهبر آن
۱۱	۲۰۰۳	عراق	حمله‌ی نظامی بدون مجوز شورای امنیت؛ بر اساس اطلاعات جعلی (سلاح‌های کشتار جمعی)	«مبارزه با تروریسم»، «خلع سلاح»	بزرگ‌ترین نمونه‌ی تجاوز نظامی قرن ۲۱ بر اساس دروغ؛ بیش از ۵۰۰ هزار کشته عراقی
۱۲	۲۰۱۱	لیبی	حمله‌ی ناتو به بهانه‌ی «حفاظت از غیرنظامیان»؛ تغییر رژیم و قتل قذافی	قطعنامه‌ی ۱۹۷۳ شورای امنیت («منطقه‌ی پرواز ممنوع»)	مجوز «منطقه‌ی پرواز ممنوع» به «تغییر رژیم» تبدیل شد - سوءاستفاده‌ای که اعتماد روسیه و چین را از بین برد

د تفصیل و ارزیابی انتقادی: استدلال چامسکی و هم‌اندیشان

۱.د خلاصه‌ی استدلال محوری چامسکی

نوام چامسکی در طول بیش از پنج دهه تولید فکری سیاسی (از دهه‌ی ۱۹۶۰ تا زمان بیماری در ۲۰۲۴) یک استدلال مرکزی را با شواهد متعدد تکرار و تعمیق کرده است:

ایالات متحده‌ی آمریکا دقیقاً همان اعمالی را که در دیگران - به‌ویژه «دشمنان» رسمی اش - محکوم می‌کند، خود در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر و سیستماتیک‌تر انجام می‌دهد. سیستم رسانه‌ای و آکادمیک آمریکا/غرب از طریق «فیلترهای رضایت» (*Filters Consent*) این تناقض را پنهان یا طبیعی جلوه می‌دهد و گفتمان «استثنانگرایی آمریکایی» (*Exceptionalism American*) مشروعیت‌بخش این رفتار دوگانه است.

۲.د آثار کلیدی و شواهد ارائه‌شده

جدول ۵: آثار کلیدی چامسکی و شواهد ارائه‌شده

#	اثر	سال	شواهد اصلی	استدلال محوری
۱	قدرت آمریکایی و مدیران جدید ^{۵۰}	۱۹۶۹	جنگ ویتنام؛ نقش روشنفکران در توجیه جنگ؛ اسناد پنتاگون	روشنفکران آمریکایی نقش «کاهنان قدرت» را ایفا می‌کنند و جنگ را مشروع جلوه می‌دهند.
۲	ساخت رضایت ^{۵۱}	۱۹۸۸	مقایسه‌ی پوشش رسانه‌ای کشتارهای «دوست» (تیمور شرقی توسط اندونزی - متحد آمریکا) و «دشمن» (کامبوج توسط خمرهای سرخ)؛ مدل پنج فیلتری پروپاگاندا	رسانه‌های «آزاد» غربی نه از طریق سانسور مستقیم بلکه از طریق ساختارهای اقتصادی و نهادی (مالکیت، تبلیغات، منابع خبری، ضدکمونیسم، <i>flak</i>) اطلاعات را فیلتر می‌کنند.
۳	بازدارندگی دموکراسی ^{۵۲}	۱۹۹۱	حمله‌ی آمریکا به پاناما؛ حمایت از دیکتاتورهای آمریکای لاتین؛ سرکوب جنبش‌های دموکراتیک	آمریکا نه «ترویج‌کننده» بلکه «بازدارنده‌ی» دموکراسی است - هرگاه دموکراسی نتایج نامطلوب (برای منافع آمریکا) داشته باشد، سرکوب می‌شود.
۴	هژمونی یا بقا ^{۵۳}	۲۰۰۳	حمله‌ی پیشدستانه به عراق؛ دکترین بوش (<i>Doctrine Bush</i>)؛ «جنگ علیه ترور»؛ نقض قوانین بین‌المللی	آمریکا با تعقیب هژمونی جهانی، بقای بشریت را به خطر انداخته. «جنگ پیشدستانه» نقض منشور سازمان ملل و دقیقاً تعریف «تجاوز» در حقوق بین‌الملل است.

#	اثر	سال	شواهد اصلی	استدلال محوری
۵	دولت‌های شکست خورده ^{۵۴}	۲۰۰۶	گواتانامو؛ ابوغریب؛ بازداشت بدون محاکمه؛ شکنجه‌ی سیا؛ نادیده‌گرفتن دیوان بین‌المللی	با سه معیار «دولت شکست خورده» (ناتوانی از حفاظت از شهروندان، نقض حقوق بین‌الملل، کسری دموکراتیک)، خود آمریکا «دولت شکست خورده» است.
۶	چه کسی بر جهان حکم می‌راند؟ ^{۵۵}	۲۰۱۶	برنامه‌ی هواپیماهای بدون سرنشین (درون‌ها)؛ ترور هدفمند؛ نظارت جهانی (NSA/Snowden)؛ تغییرات آب‌وهوا	آمریکا بزرگ‌ترین «دولت یاغی» (State Rogue) جهان است — اگر همان معیارهایی که برای دیگران به‌کار می‌رود، به خودش اعمال شود.

۳.د هم‌اندیشان و تکمیل‌کنندگان

۱.۳.د ادوارد هرمن (۱۹۲۵-۲۰۱۷)

هم‌نویسنده‌ی ساخت رضایت. هرمن مفهوم «قربانیان شایسته و ناشایسته» (*Victims Unworthy and Worthy*) را توسعه داد: رسانه‌های غربی به قربانیان دشمنان آمریکا («قربانیان شایسته») توجه فراوان و هم‌دلانه نشان می‌دهند، اما قربانیان خود آمریکا یا متحدانش («قربانیان ناشایسته») را نادیده می‌گیرند یا کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. نمونه‌ی کلیدی هرمن:

- تیمور شرقی (۱۹۷۵-۱۹۹۹): اندونزی — متحد نزدیک آمریکا — با سلاح‌های آمریکایی حدود ۱۰۰-۱۸۰ هزار نفر (یک‌سوم جمعیت) را در تیمور شرقی کشت. پوشش رسانه‌ای غرب حداقلی بود.
- کامبوج (۱۹۷۵-۱۹۷۹): خمرهای سرخ — دشمن آمریکا — حدود ۵.۱-۲ میلیون نفر را کشتند. پوشش رسانه‌ای غرب گسترده و هم‌دلانه بود.
- نتیجه: نسبت توجه رسانه‌ای به این دو فاجعه‌ی هم‌زمان با نسبت تلفات همخوانی نداشت — بلکه با «دوست یا دشمن بودن عامل کشتار» همخوانی داشت.

۲.۳.د ویلیام بلوم (۱۹۳۳-۲۰۱۸)

بلوم در کشتن امید (*Hope Killing*، ۱۹۹۵) جامع‌ترین فهرست مستند مداخلات نظامی و پنهانی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم را ارائه داد. او بیش از ۵۶ مورد مداخله را مستند کرد که شامل موارد زیر می‌شود:

- کودتا علیه دولت‌های منتخب دموکراتیک (ایران ۱۹۵۳، گواتمالا ۱۹۵۴، شیلی ۱۹۷۳، ...)
- حمایت مالی و تسلیحاتی از دیکتاتورها (موبوتو در زئیر، سوهارتو در اندونزی، پینوشه در شیلی، ...)
- ترور یا تلاش برای ترور رهبران خارجی (کاسترو، لومومبا، آئنده، قذافی، ...)
- بمباران گسترده‌ی غیرنظامیان (ویتنام، لائوس، کامبوج، عراق، صربستان، لیبی، ...).

نکته‌ی مهم: بلوم خود کارمند سابق وزارت خارجه‌ی آمریکا بود و پس از مخالفت با جنگ ویتنام استعفا داد. کتاب او بر اسناد رسمی رفع طبقه‌بندی شده (*Documents Declassified*) مبتنی است.

۳.۳.د چالمرز جانسون (۱۹۳۱-۲۰۱۰)

جانسون - تحلیل‌گر سابق سیا و استاد علوم سیاسی دانشگاه کالیفرنیا - در سه‌گانه‌ی خود مفهوم «بازتاب» (*Blowback*) را توسعه داد:

«بازتاب» اصطلاحی است که خود سیا به‌کار می‌برد برای پیامدهای ناخواسته‌ی عملیات پنهانی. مثلاً: آمریکا در دهه‌ی ۱۹۸۰ مجاهدین افغان (از جمله بن‌لادن) را تسلیح و تأمین مالی کرد تا علیه شوروی بجنگند. «بازتاب» این عملیات، یازده سپتامبر ۲۰۰۱ بود.

جانسون در *اندوه‌های امپراتوری* (*The Empire of Sorrows*, ۲۰۰۴) نشان داد که آمریکا شبکه‌ای از بیش از ۷۰۰ پایگاه نظامی در سراسر جهان دارد و این شبکه عملاً یک «امپراتوری پایگاه‌ها» (*Bases of Empire*) تشکیل داده است - امپراتوری‌ای که شهروندان آمریکایی اغلب از وجودش بی‌خبرند.

۴.۳.د اندرو بیسویچ (۱۹۴۷-)

بیسویچ - سرهنگ بازنشسته‌ی ارتش آمریکا و استاد دانشگاه بوستون - نقد خود را نه از موضع چپ، بلکه از موضع محافظه‌کاری سنتی مطرح می‌کند. او استدلال می‌کند که:

۱. نظامی‌گری دائمی آمریکا (*Militarism Permanent*) نه‌تنها اخلاقاً مشکل‌دار بلکه استراتژیکاً شکست‌خورده است (افغانستان، عراق، لیبی)؛

۲. «نظم لیبرال بین‌المللی» که آمریکا مدعی حفاظت از آن است، در واقع «پروژه‌ی سلطه‌ی آمریکایی» است که با لباس هنجاری پوشانده شده؛

۳. خود آمریکایی‌ها بزرگ‌ترین قربانیان این نظامی‌گری هستند: هزینه‌های نجومی نظامی، کشته‌شدگان جنگ‌ها، و فروپاشی زیرساخت‌های داخلی.

اهمیت بیسویچ: او نشان می‌دهد که نقد دوگانه‌ی اخلاقی آمریکا منحصر به «چپ‌ها» و «ضد‌آمریکایی‌ها» نیست - بلکه محافظه‌کاران واقع‌بین نیز به همین نتیجه می‌رسند.

۵.۳.د داو لوین: مستندسازی آماری دخالت در انتخابات

داو لوین^{۵۶} از دانشگاه کارنگی ملون در پژوهش بزرگ خود (*Box Ballot the in Meddling*, ۲۰۲۰) به‌صورت آماری نشان داد که:

- بین ۱۹۴۶ تا ۲۰۰۰، آمریکا و شوروی/روسیه مجموعاً در ۱۱۷ انتخابات خارجی دخالت کردند؛
- آمریکا ۸۱ مورد و شوروی/روسیه ۳۶ مورد - یعنی آمریکا بیش از دو برابر روسیه؛
- شکل دخالت: از تأمین مالی پنهانی تا تبلیغات، تهدید و حتی عملیات سیاه.

پارادوکس: دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا به بزرگ‌ترین بحران سیاسی دهه تبدیل شد، اما دخالت سیستماتیک آمریکا در ۸۱ انتخابات در گفتمان مسلط تقریباً نامرئی است.

⁵⁶Dov Levin

۶.۳.د دنیل ایمروار: امپراتوری پنهان

ایمروار^{۵۷} در چگونگی امپراتوری آمریکا را پنهان کنیم (*Empire an Hide to How*، ۲۰۱۹) استدلال بدیعی مطرح می‌کند: آمریکا نه فقط یک امپراتوری غیررسمی (از طریق پایگاه‌ها و نفوذ) بلکه یک امپراتوری ارضی واقعی است - اما نقشه‌ها و روایت‌های رسمی طوری طراحی شده‌اند که این واقعیت پنهان بماند:

- فیلیپین (۱۸۹۹-۱۹۴۶): آمریکا در جنگ فیلیپین حدود ۲۰۰،۰۰۰-۱،۰۰۰،۰۰۰ فیلیپینی را کشت (برآوردها متفاوت است)؛
- پورتوریکو: هنوز «قلمرو» آمریکاست بدون نمایندگی رأی‌دار در کنگره؛
- گوام، ساموآی آمریکا، جزایر ویرجین آمریکا: همگی «قلمروهای بدون نمایندگی» (*Territories Unincorporated*)؛
- ساکنان این مناطق شهروند آمریکایی هستند اما حق رأی در انتخابات ریاست‌جمهوری ندارند - وضعیتی شبیه به استعمار کلاسیک.

۴.د نقدها و پاسخ‌های وارد بر چامسکی و هم‌اندیشان

۱.۴.د نقدهای اصلی

جدول ۶: نقدهای اصلی وارد بر چامسکی و هم‌اندیشان و پاسخ‌ها

#	ناقد / جریان	محتوای نقد	پاسخ چامسکی / مدافعان	ارزیابی مستقل این مقاله
۱	نقد «ضدآمریکایی‌گری» (مطرح شده از سوی نومحافظه‌کاران و لیبرال‌هاوک‌ها مانند پل برمن ^{۵۸} ، کریستوفر هیچنز ^{۵۹} ، سمیوئل هانتینگتون ^{۶۰})	چامسکی تمرکز نامتناسبی بر جرائم آمریکا دارد و رفتارهای بدتر دیگران (شوروی، چین، داعش، ...) را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد. او «ضدآمریکایی» است و تحلیلش از تنفر ایدئولوژیک نشأت می‌گیرد، نه واقع‌بینی.	چامسکی: «وظیفه‌ی اخلاقی هر شهروند در درجه‌ی اول نقد دولت خودش است - زیرا بر دولت خودش تأثیر می‌گذارد. یک شهروند آمریکایی نمی‌تواند رفتار چین را تغییر دهد اما می‌تواند سیاست واشنگتن را به چالش بکشد. تمرکز بر جرائم دیگران بدون نقد خود، همان پروپاگاندا است.»	تا حدی وارد، تا حدی نابجا. نقد تمرکز نامتناسب درست است - اما این نقد نباید بهانه‌ای برای نادیده‌گرفتن شواهد مستند چامسکی باشد. اصل «اول خودت را نقد کن» اخلاقاً دفاع‌پذیر است.

⁵⁷Daniel Immerwahr

#	ناقد / جریان	محتوای نقد	پاسخ چامسکی / مدافعان	ارزیابی مستقل این مقاله
۲	نقد «ساده‌سازی» (نقد آکادمیک؛ مطرح‌شده از سوی رابرت کاگان ^{۶۱} ، نیال فرگوسن ^{۶۲} ، مایکل والزر ^{۶۳})	چامسکی تفاوت‌های کیفی میان رژیم‌ها را نادیده می‌گیرد. فرق است بین یک دموکراسی ناقص (آمریکا) که در عین ارتکاب جرم، سازوکارهای خودتصحیحی دارد (رسانه‌ی آزاد، قوه‌ی قضاییه‌ی مستقل، ...) و یک استبداد تمام‌عیار (شوروی، چین، ایران) که فاقد هر نوع پاسخ‌گویی است.	چامسکی: «سازوکارهای خودتصحیحی» آمریکا در عمل بسیار محدودتر از ادعا هستند. آیا کسی برای عراق محاکمه شد؟ آیا کسی برای شکنجه‌ی سیا زندانی شد؟ «رسانه‌ی آزاد» در عمل همان ساخت رضایت را انجام می‌دهد.	مهم‌ترین نقد. تفاوت کیفی میان رژیم‌ها واقعی است و نادیده‌گرفتن آن تحلیل را ناقص می‌کند. اما: این تفاوت کیفی نمی‌تواند مجوز «معافیت اخلاقی» باشد. بودن سازوکار خودتصحیحی، تنها وقتی ارزشمند است که واقعاً کار کند — و در بسیاری موارد (عراق، شکنجه، ...) کار نکرده است.
۳	نقد «نسبی‌گرایی اخلاقی» (مطرح‌شده از سوی لیبرال‌ها و مدافعان حقوق بشر مانند مایکل ایگناتیف ^{۶۴} ، سامانتا پاور ^{۶۵})	اگر «همه زور می‌زنند»، آیا نتیجه این نیست که «پس هیچ زوری قابل نقد نیست»؟ آیا استدلال چامسکی عملاً به دفاع از وضع موجود و بی‌عملی منجر نمی‌شود؟ آیا مداخله‌ی بشردوستانه (R2P) هرگز مشروع نیست؟	چامسکی: من نمی‌گویم «هیچ مداخله‌ای مشروع نیست». می‌گویم «مداخله‌ی بشردوستانه» در عمل تقریباً همیشه بهانه‌ای برای تعقیب منافع بوده (لیبی ۲۰۱۱ نمونه‌ی بارز). اگر واقعاً «بشردوستانانه» بود، چرا در تیمور شرقی، رواندا، یمن و فلسطین مداخله نشده/نمی‌شود؟	هر دو طرف نکته‌ی درستی دارند. نسبی‌گرایی مطلق خطرناک است — اما «مداخله‌ی بشردوستانه‌ی گزینشی» (Selective Humanitarianism) نیز نوعی دوگانه‌ی اخلاقی است. راه‌حل: اصول جهان‌شمول با اجرای غیرگزینشی.
۴	نقد «بی‌توجهی به عاملیت محلی» (مطرح‌شده از سوی تحلیل‌گران منطقه‌ای و پسااستعماری‌های نسل دوم)	چامسکی با تمرکز بر آمریکا، عاملیت بازیگران محلی (دولت‌ها، جنبش‌ها، افراد در خاورمیانه، آفریقا و ...) را نادیده می‌گیرد و آن‌ها را صرفاً «قربانی» یا «بزار» آمریکا نشان می‌دهد. این خود نوعی «شرق‌شناسی وارونه» است.	چامسکی: من عاملیت محلی را انکار نمی‌کنم. اما وقتی سیا کودتا می‌کند، مسئولیت اصلی با سیا است، نه با عوامل محلی. بحث «عاملیت محلی» نباید بهانه‌ای برای رفع مسئولیت از قدرت‌های بزرگ باشد.	نقد مهم و وارد. تحلیل‌هایی که همه‌چیز را به آمریکا فرو بکاهند، هم تحلیلاً ناقص‌اند و هم از بازیگران محلی سلب مسئولیت می‌کنند. رویکرد متعادل: «مسئولیت مشترک اما نامتقارن» — قدرت بزرگ‌تر، مسئولیت بزرگ‌تر.

#	ناقد / جریان	محتوای نقد	پاسخ چامسکی / مدافعان	ارزیابی مستقل این مقاله
۵	نقد «کهنگی تحلیل» (نقد نسل جدید؛ مطرح شده از سوی تحلیل‌گران پسا-یکجانبه‌گرا)	چامسکی در چارچوب جنگ سرد و دوره‌ی تک‌قطبی تحلیل می‌کند. در دنیای چندقطبی جدید (چین، روسیه، هند، ...)، تمرکز صرف بر آمریکا کافی نیست. چین و روسیه خودشان «امپریالیسم جدید» دارند.	چامسکی (در آخرین آثارش) اذعان کرده که چین و روسیه نیز «امپریالیست» هستند - اما آمریکا هنوز بزرگ‌ترین و مؤثرترین اعمال‌کننده‌ی زور جهانی است و مسئولیت اصلی با قدرت مسلط است.	نقد وارد. چارچوب تحلیلی باید به‌روز شود. در ۲۰۲۵ نمی‌توان صرفاً آمریکا را نقد کرد و چشم بر امپریالیسم چینی (اویغور، تبت، دریای جنوب)، روسی (اوکراین، سوریه، آفریقا) و حتی ایرانی (سرکوب داخلی) بست.
۶	نقد «تأثیر عملی منفی» (مطرح شده از سوی فعالان حقوق بشر در کشورهای استبدادی)	استدلال چامسکی در عمل توسط رژیم‌های استبدادی (ایران، روسیه، چین) به‌عنوان توجیه برای سرکوب داخلی صادره می‌شود: «ببینید! حتی اندیشمندان غربی می‌گویند آمریکا بدتر است - پس ما حق داریم.»	چامسکی: مسئولیت سوءاستفاده از تحلیل من بر عهده‌ی سوءاستفاده‌کنندگان است، نه من. آیا باید حقیقت را نگفت چون ممکن است کسی از آن سوءاستفاده کند؟ این منطق، منطق سانسور است.	نقد بسیار مهم برای بافت ایرانی. مصادره‌ی نقد چامسکی توسط جمهوری اسلامی واقعی و مستند است. اما: راه حل، سانسور حقیقت نیست - بلکه تکمیل تحلیل است: نقد آمریکا و هم‌زمان نقد رژیم‌هایی که از این نقد سوءاستفاده می‌کنند.

۵.د ارزیابی انتقادی مستقل: نقاط قوت و ضعف

۱.۵.د نقاط قوت استدلال چامسکی و هم‌اندیشان

۱. مستند بودن شواهد: بر خلاف بسیاری از نقدهای ایدئولوژیک، چامسکی و بلوم و جانسون عمدتاً بر اسناد رسمی رفع طبقه‌بندی‌شده، گزارش‌های کنگره‌ی آمریکا، مقالات روزنامه‌های معتبر آمریکایی و حکم‌های دیوان بین‌المللی دادگستری تکیه می‌کنند. یعنی: آمریکا را با مدارک خودش نقد می‌کنند.
۲. همسویی با یافته‌های آکادمیک مستقل: پژوهش‌های آماری مانند کار داو لوین (دخالت در انتخابات)، دیوید واین^{۶۶} (پایگاه‌های نظامی) و نتا کرافورد^{۶۷} (هزینه‌های جنگ‌های پس از ۱۱ سپتامبر: بیش از ۸ تریلیون دلار و ۹۰۰,۰۰۰ کشته) مستقل از چامسکی به نتایج مشابه رسیده‌اند.
۳. تنوع ایدئولوژیک ناقدان: نکته‌ی بسیار مهم آن است که نقد دوگانه‌ی اخلاقی آمریکا منحصر به «چپ‌ها» نیست:
 - واقع‌گرایان (میرشایمر، والت): از منظر منافع ملی آمریکا؛
 - محافظه‌کاران (بیسویچ، پت بوکنن^{۶۸}): از منظر ضد-مداخله‌گرایی سنتی آمریکایی؛

⁶⁶David Vine, *Base Nation*, 2015

⁶⁷Neta Crawford, *Costs of War Project*, Brown University

⁶⁸Pat Buchanan

• آزادیخواهان/لیبرترین‌ها (رون پال^{۶۹}): از منظر محدودسازی دولت؛

• پسااستعماری‌ها (سعید، فانون، پراشاد): از منظر جنوب جهانی.

این اجماع بین‌پارادایمی (*Consensus Cross-Paradigm*) نشان‌دهنده‌ی استحکام شواهد است.

۴. ارزش‌هنجاری: اصل «خودت را اول نقد کن» نه تنها اخلاقاً دفاع‌پذیر بلکه پیش‌شرط اعتبار نقد دیگران است. کشوری که خود ناقض قواعد باشد و دیگران را به نقض قواعد محکوم کند، اعتبارش زیر سؤال می‌رود — و این دقیقاً بحران اعتبار فعلی غرب در جهان جنوب (*South Global*) است (مثلاً: واکنش متفاوت به اوکراین و غزه).

۲.۵.د نقاط ضعف و محدودیت‌ها

۱. تمرکز نامتناسب بر آمریکا (آمریکامحوری معکوس): چامسکی با تمرکز شدید بر آمریکا، عملاً تحلیلش «آمریکامحور» (*America-Centric*) باقی می‌ماند — حتی اگر از منظر انتقادی. در دنیای چندقطبی ۲۰۲۵، این تمرکز ناکافی است.

۲. کم‌توجهی به تفاوت‌های کیفی رژیم‌ها: هرچند زور آمریکا و زور روسیه هر دو قابل نقدند، بستر نهادی اعمال زور متفاوت است. در آمریکا (هرچند ناقص) سازوکارهایی برای افشا (رسانه، *whistleblowers*) و محاکمه (هرچند نادر) وجود دارد. در روسیه و چین و ایران، حتی اظهارنظر درباره‌ی زور حاکمیت می‌تواند به زندان و مرگ منجر شود.

اما: باید دقت کرد که «وجود سازوکار خودتصحیحی» یک چیز است و «عمل‌کردن واقعی آن» چیز دیگر. آیا کسی برای عراق، لیبی، شکنجه‌ی سیا، گوانتانامو یا حمایت از عربستان در یمن واقعاً پاسخ‌گو شده؟ در بیشتر موارد، خیر.

۳. خطر مصادره توسط استبداد: همان‌طور که اشاره شد، رژیم‌های استبدادی از تحلیل چامسکی برای توجیه رفتار خود استفاده می‌کنند. راه‌حل: نقد «دو-جانبه» — هم‌زمان نقد زور آمریکا و زور جمهوری اسلامی (یا روسیه یا چین). این دقیقاً همان چیزی است که مقاله‌ی حاضر تلاش می‌کند انجام دهد.

۴. ضعف در ارائه‌ی بدیل: چامسکی در نقد قوی اما در ارائه‌ی بدیل عملی ضعیف است. اگر نظم کنونی ناعادلانه است، جایگزین چیست؟ آنارشیسم چامسکی پاسخ عملی قانع‌کننده‌ای برای مسائل سیاست بین‌الملل ارائه نمی‌دهد.

۶.د نقد هفتم: نگرش «محلی — خودی‌محور» در داوری اخلاقی

۱.۶.د طرح مسئله

یکی از پنهان‌ترین و درعین‌حال رایج‌ترین لایه‌های دوگانه‌ی اخلاقی در گفتمان مسلط بین‌المللی، چیزی است که می‌توان آن را «نگرش محلی — خودی‌محور» (*Lens Moral In-Group / Domestic-Only*) نامید. طبق این نگرش:

شرارت یک حکومت عمدتاً — یا منحصراً — بر اساس رفتار آن با شهروندان خودش سنجیده می‌شود. اگر حکومتی با شهروندان خارجی، مهاجران، مسافران، دانشجویان مقیم، کارگران غیرشهروند یا مردمان سرزمین‌های دیگر زورگویی، خشونت، بهره‌کشی و وحشی‌گری کند، این رفتار یا اساساً «شرارت» محسوب نمی‌شود، یا «شرارت درجه‌ی دوم» تلقی می‌شود که نیازی به افشاگری و محکومیت مشابه ندارد.

به بیان ساده‌تر: دو عینک متفاوت برای سنجش یک رفتار واحد وجود دارد:

⁶⁹Ron Paul

- عینک اول (معیار سخت‌گیرانه): آیا حکومت با مردم خودش بد رفتار می‌کند؟ ⇒ اگر بله: **شُرور** است.
- عینک دوم (معیار سهل‌گیرانه): آیا حکومت با بیگانگان / غیرشهروندان / مردمان سرزمین‌های دیگر بد رفتار می‌کند؟ ⇒ اگر بله: ناگوار است، اما نه «شُرور» به معنای واقعی کلمه.

د. ۲.۶ مکانیزم عمل: چگونه این دوگانه کار می‌کند؟

جدول ۷: مکانیزم دوگانه‌ی «خودی/بیگانه» در داوری اخلاقی

#	بازیگر	رفتار با «خودی‌ها» (شهروندان)	رفتار با «بیگانه‌ها» (غیرشهروندان / مردمان دیگر)	برچسب غالب در گفتمان مسلط
۱	جمهوری اسلامی ایران	سرکوب معترضان (آبان ۹۸، مهسا/ژینا ۱۴۰۱)؛ اعدام زندانیان سیاسی؛ حجاب اجباری؛ شکنجه‌ی بازداشت‌شدگان	حمایت از نیروهای نیابتی؛ حملات موشکی (بر فرض)؛ ترورهای برون‌مرزی (ادعایی)	«شُرور تمام‌عیار» (هم به‌خاطر رفتار داخلی و هم خارجی محکوم می‌شود)
۲	ایالات متحده‌ی آمریکا	آزادی نسبی بیان؛ انتخابات منظم؛ سیستم قضایی مستقل (نسبتاً)؛ اما: نژادپرستی ساختاری، خشونت پلیس، زندان‌های انبوه (بیشترین زندانی سرانه در جهان)	بمباران کشورهای دیگر (عراق: ۵۰۰،۰۰۰+ کشته؛ افغانستان: ۱۷۰،۰۰۰+ کشته)؛ شکنجه‌ی غیرشهروندان (ابوغریب، گوانتانامو)؛ تحریم‌های کشنده علیه غیرنظامیان خارجی؛ بازداشت مهاجران در قفس؛ ممنوعیت سفر مسلمانان (Ban Muslim)	«رهبر جهان آزاد» (رفتار با خودی‌ها ملاک اصلی داوری است؛ رفتار با بیگانه‌ها «سیاست خارجی» نامیده می‌شود و معیار اخلاقی متفاوتی دارد)

⇒ «ناگوار اما ضروری» / نادیده

#	بازیگر	رفتار با «خودی‌ها»	رفتار با «بیگانه‌ها»	برچسب غالب
۳	انگلستان	دموکراسی پارلمانی پایدار؛ آزادی مطبوعات؛ سیستم حقوقی قوی ⇒ «دموکراسی الگو»	قرن‌ها استعمار: قحطی‌های مصنوعی هند (میلیون‌ها کشته)؛ اردوگاه‌های بازداشت کنیا؛ تقسیم خاورمیانه (سایکس-پیکو)؛ تجارت برده‌ی آتلانتیک؛ معاصر: محیط خصمانه (Hostile Environment) علیه مهاجران؛ بازداشتگاه‌های مهاجران؛ طرح انتقال پناهندگان به رواندا ⇒ «تاریخ» / «سیاست مهاجرتی»	«مهد دموکراسی» (دموکراسی داخلی = هویت اصلی؛ استعمار = گذشته)؛ رفتار با مهاجران = «سیاست داخلی»، نه «نقض حقوق بشر»
۴	فرانسه	جمهوری، لائیسیته، آزادی‌ها ⇒ «ارزش‌های جمهوری»	جنگ الجزایر (شکنجه‌ی سیستماتیک)؛ آزمایش هسته‌ای در صحرای الجزایر و پولینزی (بر مردم غیر فرانسوی)؛ Fran ^{afrique} (کنترل آفریقا)؛ معاصر: اردوگاه‌های کاله؛ اخراج اجباری روما؛ خشونت پلیس علیه مهاجران حومه‌نشین ⇒ «میراث استعماری» / «چالش اجتماعی»	«کشور حقوق بشر» de Droits des Patrie (l'Homme) (هویت ملی بر اساس انقلاب ۱۷۸۹ تعریف شده؛ استعمار «استثنا» تلقی می‌شود، نه «قاعده»)
۵	استرالیا	دموکراسی پایدار؛ رفاه اجتماعی بالا ⇒ «الگوی دموکراتیک»	نسل‌کشی بومیان (Stolen Generations)؛ بازداشتگاه‌های جزیره‌ای پناهندگان (مانوس و نائورو) - شرایط غیرانسانی مستند؛ بازگرداندن اجباری پناهجویان (Operation Borders Sovereign) ⇒ «سیاست مرزی»	«دموکراسی موفق» (بومیان «خودی» نبودند؛ پناهندگان «خودی» نیستند ⇒ رفتار با آن‌ها معیار «شرارت» نیست)

۳.۶.د ریشه‌های فلسفی و تاریخی این دوگانه

نگرش «خودی‌محور» ریشه‌های عمیقی در فلسفه‌ی سیاسی غرب دارد:

۱. قرارداد اجتماعی و محدودیت آن به «شهروندان»:

در سنت قرارداد اجتماعی (هابز^{۷۰}، لاک^{۷۱}، روسو^{۷۲})، تعهدات اخلاقی و سیاسی حکومت محدود به طرفین قرارداد — یعنی شهروندان — است. «بیگانه» طرف قرارداد نیست و لذا مشمول همان حقوق نمی‌شود.

مشکل: لاک — همان فیلسوف «حقوق طبیعی» — خود سهام‌دار شرکت تجارت برده‌ی سلطنتی آفریقا (Royal Company African) بود و در قانون اساسی کارولینا (Carolina of Constitutions Fundamental، ۱۶۶۹) به‌صراحت اختیار مطلق ارباب بر برده را تأیید کرد. یعنی: «حقوق طبیعی» از ابتدا تنها شامل مردان سفیدپوست اروپایی مالک بود و «بیگانه» (بومی، سیاه‌پوست، غیراروپایی) از حلقه‌ی اخلاقی خارج بود.^{۷۳}

۲. مفهوم وستفالیایی حاکمیت:

نظام وستفالیایی (۱۶۴۸) اصل «عدم مداخله در امور داخلی» را پایه‌گذاری کرد. اما نتیجه‌ی ناخواسته‌ی آن این بود که رفتار یک حکومت با مردمان خارج از مرزهایش — تا مدت‌ها — اساساً از حوزه‌ی داوری اخلاقی بین‌المللی خارج تلقی می‌شد. استعمار دقیقاً در این خلأ شکوفا شد: هر حکومت اروپایی در داخل مرزهایش (نسبتاً) قانون‌مند بود، اما در مستعمرات «قانون» نداشت — یا قانون ویژه‌ای برای «بومیان» وضع می‌کرد (l'Indigénat de Code در فرانسه، Laws Pass در آفریقای جنوبی و ...).

۳. مفهوم «دایره‌ی اخلاقی» و مرزهای آن:

فیلسوف پیتر سینگر^{۷۴} مفهوم «دایره‌ی اخلاقی در حال گسترش» (Circle Moral Expanding) را مطرح کرده: در طول تاریخ، حلقه‌ی کسانی که «مستحق ملاحظه‌ی اخلاقی» شمرده می‌شوند تدریجاً بزرگ‌تر شده (از خانواده → قبیله → ملت → نوع بشر).

مشکل نگرش «خودی‌محور» آن است که دایره‌ی اخلاقی را در مرز «شهروندی» متوقف می‌کند و غیرشهروند را — نه لزوماً به‌صراحت، بلکه در عمل و در اولویت‌بندی اخلاقی — از دایره‌ی ملاحظه خارج می‌کند.

۴.۶.د نمونه‌های تاریخی و معاصر

⁷⁰Hobbes, *Leviathan*, 1651

⁷¹Locke, *Two Treatises of Government*, 1689

⁷²Rousseau, *Du Contrat Social*, 1762

⁷³Charles W. Mills, *The Racial Contract*, 1997 —

» « (Racial

Contract) « » « » « » .

⁷⁴Peter Singer, *The Expanding Circle*, 1981

جدول ۸: نمونه‌های عملی نگرش «خودی‌محور»: زور بر بیگانه = مجاز / زور بر خودی = ممنوع

#	نمونه	رفتار با «بیگانه/غیرشهروند»	مقایسه با رفتار داخلی	تحلیل دوگانه
۱	گوانتانامو (آمریکا)	بازداشت بدون محاکمه‌ی صدها نفر - همگی غیرشهروند - به مدت ۲۰+ سال؛ شکنجه‌ی مستند (waterboarding)، محرومیت از خواب، بستن در وضعیت‌های تنش‌زا؛ عمداً در خاک غیرآمریکایی (کوبا) تا مشمول قوانین آمریکا نشود	اگر دولت آمریکا ۷۷۹ شهروند آمریکایی را بدون محاکمه ۲۰ سال در قفس نگه می‌داشت و شکنجه می‌کرد، قطعاً بحران مشروعیت ایجاد می‌شد و حکومت سقوط می‌کرد	نمونه‌ی بارز: غیرشهروند بودن قربانیان = کاهش شدید حساسیت اخلاقی. حتی اوباما که وعده‌ی بستن گوانتانامو داد، نتوانست/نخواست آن را ببندد - زیرا فشار افکار عمومی کافی نبود (قربانیان «خودی» نبودند)
۲	ابوغریب (عراق، ۲۰۰۴)	شکنجه، تحقیر جنسی و ضرب‌وشتم زندانیان عراقی (غیرشهروند) توسط سربازان آمریکایی؛ عکس‌های مستند	تنها چند سرباز رده‌پایین محاکمه شدند. هیچ مقام ارشدی (رامسفلد، تنت، بوش) پاسخ‌گو نشد. مقایسه: اگر پلیس آمریکا همین رفتار را با ۱۰۰ زندانی آمریکایی در یک زندان داخلی می‌کرد، بحران ملی و استعفاها حتمی بود	مقیاس پاسخ‌گویی متناسب با «خودی/بیگانه» بودن قربانی: قربانیان عراقی اند ⇒ «حادثه‌ی ناگوار»، نه «جنایت سیستماتیک». اگر قربانیان آمریکایی بودند ⇒ «فاجعه‌ی ملی»
۳	بازداشتگاه‌های مهاجران (آمریکا، دوره‌ی ترامپ و قبل)	جداسازی کودکان مهاجر از والدین (Separation Family)؛ نگهداری کودکان در قفس‌های فلزی؛ شرایط غیربهداشتی؛ مرگ چندین کودک در بازداشت	اگر سیستم رفاه کودکان آمریکا (CPS) کودکان شهروند آمریکایی را در قفس فلزی نگه می‌داشت، بلافاصله جرم فدرال بود. اما چون قربانیان مهاجر غیرمجاز (غیرشهروند) بودند، بخشی از افکار عمومی حتی از آن دفاع کرد	مرز شهروندی = مرز اخلاقی: کودک آمریکایی در قفس = جنایت. مکزیکی در قفس = «اجرای قانون مهاجرت»
۴	تحریم‌های فراگیر عراق (۱۹۹۰-۲۰۰۳)	مرگ حدود ۵۰۰،۰۰۰ کودک عراقی (برآورد یونیسف) بر اثر کمبود دارو، غذا و تجهیزات پزشکی ناشی از تحریم‌ها. مادلین آلبرایت: «فکر می‌کنیم ارزشش را داشت.»	تصور کنید دولت آمریکا سیاستی اتخاذ کند که به مرگ ۵۰۰،۰۰۰ کودک آمریکایی منجر شود. آیا هیچ مقامی می‌توانست بگوید «ارزشش را داشت»؟	ارزش جان «بیگانه» ≠ ارزش جان «خودی»: مرگ نیم‌میلیون کودک عراقی «هزینه‌ی قابل قبول» سیاست خارجی تلقی شد - مفهومی که درباره‌ی کودکان آمریکایی نه‌تنها «قابل قبول» نبود، بلکه قابل‌تصور هم نبود

#	نمونه	رفتار با «بیگانه»	مقایسه با رفتار داخلی	تحلیل دوگانه
۵	حملات پهپادی (آمریکا، ۲۰۰۱-۲۰۲۴)	بیش از ۱۴،۰۰۰ حمله‌ی پهپادی در پاکستان، یمن، سومالی و افغانستان. کشته‌شدن صدها غیرنظامی - همگی غیرشهروند آمریکایی. «ضربه‌ی دوتایی» (Tap Double): حمله‌ی دوم به امدادگران. ^{۷۵}	تنها یک بار که یک شهروند آمریکایی (انور العولقی) با پهپاد ترور شد (۲۰۱۱)، بحث حقوقی و سیاسی گسترده‌ای درگرفت. اما ترور هزاران غیرشهروند تقریباً بدون بحث عمومی پذیرفته شد	«ارزش خبری» جان انسان تابع شهروندی اوست: مرگ یک آمریکایی = بحران حقوقی. مرگ صدها پاکستانی و یمنی = «آمار عملیاتی»
۶	انگلیس: رفتار با مهاجران در مقابل شهروندان	سیاست «محیط خصمانه» (Environment Hostile) از ۲۰۱۲: عمداً زندگی مهاجران (حتی قانونی) را سخت کردن؛ رسوایی ویندراش (Windrush Scandal، ۲۰۱۸): اخراج غیرقانونی شهروندان کارائیبی تبار (که دهه‌ها ساکن بریتانیا بودند)؛ طرح رواندا (انتقال پناهجویان به آفریقا)	حقوق شهروندان بریتانیایی در سیستم حقوقی بریتانیا نسبتاً محافظت شده است. اما «غیرشهروندان» عملاً «شخص درجه‌ی دوم» محسوب می‌شوند	«مهد دموکراسی» و «محیط خصمانه» هم‌زمان وجود دارند - زیرا یکی برای «خودی» و دیگری برای «بیگانه» است
۷	استرالیا: جزایر مانوس و نائورو	بازداشت پناهجویان (عمدتاً از ایران، افغانستان و سریلانکا) در اردوگاه‌های جزیره‌ای؛ شرایط مستند غیرانسانی؛ خودکشی و خودآزاری گسترده؛ بازداشت کودکان؛ ممانعت از پوشش رسانه‌ای ^{۷۶}	اگر دولت استرالیا شهروندان خودش را در جزیره‌ای دوردست بدون دسترسی به وکیل و رسانه بازداشت می‌کرد، «فاشیسم» نامیده می‌شد. اما چون قربانیان «پناهجو» (غیرشهروند) هستند، «سیاست مرزی» نامیده می‌شود	عمداً خارج از خاک اصلی (مانند گوانتانامو): هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر حقوقی، قربانیان را از دسترس سیستم حقوقی داخلی دور نگه می‌دارد
۸	اسرائیل / فلسطین	دو سیستم حقوقی موازی: یکی برای شهروندان اسرائیلی (با حقوق دموکراتیک)، دیگری برای فلسطینیان (اشغال نظامی، بازداشت اداری بدون محاکمه، تخریب خانه، شهرک‌سازی). عفو بین‌الملل (۲۰۲۲)، دیده‌بان حقوق بشر (۲۰۲۱) و بتسلم: «آپارتاید» ^{۷۷}	اسرائیل درون مرزهای ۱۹۴۸ (برای شهروندان یهودی) دموکراسی نسبی دارد. اما برای فلسطینیان اراضی اشغالی «شخصیت حقوقی» متفاوتی تعریف شده: بازداشت اداری (بدون اتهام)، دادگاه‌های نظامی، محدودیت تردد	بارزترین نمونه‌ی معاصر «دو سیستم اخلاقی-حقوقی» بر اساس هویت/شهروندی: شهروند اسرائیلی = حقوق کامل. فلسطینی (غیرشهروند) = حقوق حداقلی یا بدون حقوق

۵.۶.د تحلیل: چرا این نگرش مشکل دار است؟

۱. نقض اصل جهان‌شمولی حقوق بشر:

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) در ماده‌ی اول می‌گوید: «تمام افراد بشر آزاد و با حیثیت و حقوق برابر زاده می‌شوند.» کلمه‌ی «تمام» شامل شهروندان و غیرشهروندان هر دو می‌شود. نگرش «خودی‌محور» عملاً ماده‌ی اول اعلامیه را به این تغییر می‌دهد: «تمام شهروندان ما با حقوق برابر زاده می‌شوند.»

۲. مغالطه‌ی «دایره‌ی مسئولیت اخلاقی»:

استدلال پنهان این است: «من فقط مسئول رفتار دولتم با مردم خودم هستم، نه مردم دیگران.» اما اگر مالیات شهروندان صرف بمباران مردم کشور دیگری می‌شود، رابطه‌ی علیّ مستقیم وجود دارد و فرار از مسئولیت ممکن نیست.

چامسکی بارها به همین نکته اشاره کرده:

«شما مسئول رفتار دولت خودتان هستید — و دولت شما با پول مالیات شما مردم کشورهای دیگر را می‌کشد. این قبل از هر چیز مسئولیت شماست.»

۳. نتیجه‌ی عملی: معافیت اخلاقی امپراتوری‌ها:

نگرش «خودی‌محور» عملاً به این نتیجه می‌رسد:

هر حکومتی که بتواند زور و خشونت خود را به جای شهروندان خودش، بر مردمان سرزمین‌های دیگر اعمال کند، «دموکراسی» و «حکومت خوب» محسوب می‌شود.

این دقیقاً تعریف امپراتوری است: حکومتی که رفاه و آزادی «درونی» خود را بر هزینه‌ی «بیرونی» (استثمار، بمباران، تحریم، الحاق) بنا کرده.

۴. سازوکار روان‌شناختی: «بی‌انسان‌سازی» مبتنی بر مرز:

روان‌شناسی اجتماعی نشان داده که انسان‌ها به‌طور طبیعی اعضای «گروه خودی» (*In-Group*) را بیشتر از «گروه بیگانه» (*Out-Group*) مستحق ملاحظه‌ی اخلاقی می‌دانند.^{۷۸}

اما تفاوت مهمی هست: در سطح فردی، این سوگیری قابل درک است. اما وقتی این سوگیری به اصل سیاست خارجی تبدیل شود و در ساختارهای حقوقی و نهادی نهادینه شود (مثل گوانتانامو، قانون ASPA، بازداشتگاه‌های جزیره‌ای و ...)، دیگر «سوگیری طبیعی» نیست — بلکه نظام‌مند کردن بی‌عدالتی است.

۵. تناقض با ادعای «ارزش‌های جهان‌شمول»:

غرب مدعی است ارزش‌هایش (دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون) جهان‌شمول هستند — نه محلی. اما اگر این ارزش‌ها فقط برای شهروندان خودشان اعمال شوند، آنگاه ادعای «جهان‌شمولی» دروغ است و این ارزش‌ها عملاً «امتیاز شهروندی» هستند — نوعی «حقوق ویژه‌ی عضویت در باشگاه» (*Rights Membership Club*) — نه «حقوق بشر».

⁷⁸Henri Tajfel, *Social Identity and Intergroup Relations*, 1982.

جدول ۹: صاحب‌نظرانی که به نقد «نگرش خودی‌محور» پرداخته‌اند

نام	اثر کلیدی	استدلال مرتبط
چارلز میلز ^{۷۹}	قرارداد نژادی ^{۸۰}	«قرارداد اجتماعی» لیبرال عملاً یک «قرارداد نژادی» بوده که فقط سفیدپوستان اروپایی را «طرف قرارداد» و مستحق حقوق می‌دانسته. «بیگانه» (سیاه، بومی، غیراروپایی) اساساً «شخص» (Person) محسوب نمی‌شده بلکه «زیرشخص» (Sub-Person) بوده. این ساختار هنوز به شکل نهادی ادامه دارد.
جورجو آگامبن ^{۸۱}	هومو ساکر ^{۸۲}	مفهوم «حیات برهنه» (Life Bare): حاکمیت مدرن انسان‌هایی تولید می‌کند که از «حیات سیاسی» (Bios) به «حیات صرفاً بیولوژیک» (Zōē) فروکاسته شده‌اند — پناهندگان، بازداشت‌شدگان گوانتانامو، ساکنان اردوگاه‌ها. این انسان‌ها نه «شهروند»‌اند و نه «دشمن» رسمی — در یک خلأ حقوقی قرار دارند.
جودیت باتلر ^{۸۳}	چارچوب‌های جنگ ^{۸۴}	پرسش: «کدام زندگی‌ها سوگوار بردار (Grievable) هستند و کدام نیستند؟» مرگ یک سرباز آمریکایی = سوگواری ملی. مرگ صد غیرنظامی عراقی = آمار. «سوگوار بردار» بودن یا نبودن جان انسان تابع چارچوب‌های قدرت و هویت است.
حنا آرنه ^{۸۵}	ریشه‌های توتالیتاریسم ^{۸۶}	آرنه نشان داد که امپریالیسم اروپایی روش‌هایی را در مستعمرات آزمود (اردوگاه‌های بازداشت، نسل‌کشی، بی‌حقوقی‌سازی) که بعداً در خاک اروپا نیز اعمال شد (هولوکاست، توتالیتاریسم). «زور بر بیگانه» و «زور بر خودی» نه دو مقوله‌ی جدا، بلکه دو مرحله‌ی یک فرایند واحد هستند.
امه سزر ^{۸۷}	گفتار درباره‌ی استعمار ^{۸۸}	«هیتر چه کرد؟ استعمار را — که تا آن زمان فقط علیه عرب‌ها، هندی‌ها و آفریقایی‌ها اعمال می‌شد — علیه اروپایی‌های سفیدپوست اعمال کرد.» اروپا نه از «خشونت» بلکه از «خشونت علیه خودی» شوکه شد.
ادوارد سعید	فرهنگ و امپریالیسم (۱۹۹۳)	فرهنگ اروپایی/غربی (رمان، اپرا، موزه، دانشگاه) هم‌زمان ارزش‌های «آزادی» و «تمدن» را تولید می‌کرد و استعمار و بهره‌کشی از «دیگری» را توجیه و نامرئی می‌ساخت. «فرهنگ» و «امپریالیسم» نه متضاد بلکه مکمل بودند.

فرانتس فانون	دوزخیان روی زمین (۱۹۶۱)	استعمارگر جهان را به دو بخش تقسیم می‌کند: «منطقه‌ی شهرک‌نشین» (Being of Zone) و «منطقه‌ی بومی» (Non-Being of Zone). در منطقه‌ی اول قانون حاکم است؛ در منطقه‌ی دوم خشونت عریان. این تقسیم‌بندی هنوز - به شکل «شهروند/غیرشهروند» - ادامه دارد.
--------------	-------------------------	--

۷.۶.د افزودن به جدول ارزیابی تفاوت‌ها

این نقد را می‌توان به‌عنوان ردیف ۹ به جدول ۱۳ (پیوست ۵) اضافه کرد:

#	تفاوت ادعایی	استدلال مدافعان	استدلال ناقدان	حکم	توضیح
۹	«ایران با مردم خودش بد رفتار می‌کند، اما آمریکا/انگلیس با مردم خودش بد رفتار نمی‌کنند»	رفتار با شهروندان مهم‌ترین شاخص مشروعیت حکومت است. حکومتی که شهروندانش را بکشد ذاتاً نامشروع‌تر است از حکومتی که «فقط» در خارج از مرزهایش زور بزند. شهروندان حق دارند اول از رفاه و آزادی خودش دفاع کنند.	این تفکیک بر این فرض استوار است که جان و حقوق «غیرشهروند» ارزش کمتری دارد. اما اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بین «شهروند» و «غیرشهروند» تمایز نمی‌گذارد. عملاً: مرگ ۵۰۰،۰۰۰ کودک عراقی (اثر تحریم آمریکا) = مرگ ۱،۵۰۰ معترض ایرانی (اثر سرکوب جمهوری اسلامی)؟ از نظر کمی اولی بسیار بزرگ‌تر است. اما از نظر واکنش جهانی، دومی بسیار بیشتر محکوم شده.	عمدتاً توجیه‌تراشی	رفتار با شهروندان مهم است - اما نمی‌تواند مجوز اعمال خشونت بر غیرشهروندان باشد. تفکیک اخلاقی شهروند/غیرشهروند در سطح حقوق بنیادین بشر (جان، کرامت، آزادی از شکنجه) فاقد توجیه اخلاقی است.

جدول ۱۰: ردیف تکمیلی جدول تفاوت‌ها: نگرش خودی‌محور

۸.۶.د آزمون فکری: «آینه‌ی معکوس»

برای روشن‌تر شدن مشکل نگرش «خودی‌محور»، آزمون فکری زیر پیشنهاد می‌شود:

فرض کنید جمهوری اسلامی ایران با شهروندان خودش کاملاً خوب رفتار می‌کرد - دموکراسی، آزادی بیان، رفاه - اما همین رفتاری که الآن با شهروندانش می‌کند (سرکوب، شکنجه، اعدام) را با مردم کشور همسایه (مثلاً افغانستان یا عراق) انجام می‌داد. آیا در این صورت، ایران «شور» محسوب می‌شد یا «دموکراسی موفق با سیاست خارجی فعال»؟

و بالعکس:

فرض کنید آمریکا با شهروندان خودش همان رفتاری را می‌کرد که با مردم عراق کرد (بمباران، تحریم، بازداشت بدون محاکمه، شکنجه). آیا در این صورت، آمریکا هنوز «رهبر جهان آزاد» بود یا «رژیم سرکوبگر»؟

پاسخ هر دو پرسش آشکار است - و آشکار بودنش دقیقاً نشان‌دهنده‌ی ناموجه بودن تفکیک اخلاقی شهروند/غیرشهروند است.

۹.۶.د نکته‌ی تکمیلی: بومرنگ استعماری (تز آرت-سزر-فوکو)

حنا آرت و امه سزر - و بعدها میشل فوکو^{۸۹} - استدلال کرده‌اند که خشونتِ اعمال‌شده بر «بیگانه» در نهایت به «خودی» بازمی‌گردد:

• روش‌های شکنجه‌ای که فرانسه در الجزایر توسعه داد، بعداً در سرکوب اعتراضات مه ۱۹۶۸ در پاریس نیز استفاده شد.

• تکنیک‌های نظارتی که آمریکا در جنگ علیه ترور علیه «بیگانه» توسعه داد (XKeyscore, PRISM)، بعداً علیه شهروندان آمریکایی نیز به‌کار رفت (افشاگری‌های اسنودن).

• فناوری‌های کنترل مرزی و بازداشت مهاجران می‌توانند در بحران‌های داخلی علیه خود شهروندان نیز به‌کار روند.

• شرکت‌هایی که فناوری نظارتی و سلاح‌های ضد شورش را برای «بیگانه‌ها» تولید می‌کنند (مثلاً برای فروش به رژیم‌های سرکوبگر)، همان فناوری را به پلیس داخلی نیز عرضه می‌کنند.

نتیجه: تفکیک «خودی/بیگانه» نه‌تنها اخلاقاً ناموجه بلکه عملاً ناپایدار است: ابزارهای سرکوب «بیگانه» دیر یا زود علیه «خودی» نیز به‌کار می‌روند. پذیرش زور بر «بیگانه» = زمینه‌سازی برای زور بر «خودی» در آینده.

۱۰.۶.د جمع‌بندی نقد «نگرش خودی‌محور»

وجه	خلاصه
چیست؟	داوری اخلاقی در باره‌ی یک حکومت صرفاً بر اساس رفتار آن با شهروندان خودش، و نادیده‌گرفتن یا کم‌اهمیت‌شمردن رفتار آن با غیرشهروندان و مردمان دیگر سرزمین‌ها.
چرا رایج است؟	ریشه در سنت قرارداد اجتماعی (= حقوق = حقوق شهروندی)؛ سوگیری روان‌شناختی خودی/بیگانه؛ ساختار رسانه‌ای (خبر = خبر خودی)؛ منافع (استعمار و امپریالیزم نیازمند بی‌ارزش‌سازی جان «بیگانه» هستند).
چرا مشکل‌دار است؟	نقض جهان‌شمولی حقوق بشر؛ مغالطه‌ی «دایره‌ی مسئولیت»؛ معافیت اخلاقی امپراتوری‌ها؛ تناقض با ادعای ارزش‌های جهان‌شمول غربی؛ ناپایداری عملی (بومرنگ استعماری).
نتیجه	اصل «آینده‌ی برابر» باید صرف‌نظر از شهروندی قربانی اعمال شود. هر حکم اخلاقی تنها زمانی معتبر است که ملیت و شهروندی قربانی، تأثیری در شدت محکومیت نداشته باشد. زور بر «بیگانه» همان قدر مذموم است که زور بر «خودی».

جدول ۱۱: جمع‌بندی نقد «نگرش خودی‌محور»

۷.د جمع‌بندی: چارچوب ارزیابی پیشنهادی

بر اساس تحلیل فوق، چارچوب ارزیابی چهاربعدی پیشنهاد می‌شود برای داوری درباره‌ی «خوبی» یا «بدی» هر اعمال زور:

⁸⁹Michel Foucault, *Il faut défendre la société*, 1976) (

معیار	پرسش کلیدی	بُعد ارزیابی
اگر رفتار X برای کشور A «تجاوز» است، برای کشور B هم باید «تجاوز» باشد.	آیا همین اصل را بر خودت هم اعمال می‌کنی؟	۱. جهان‌شمولی
حمله‌ی تمام‌عیار به عراق (بر اساس اطلاعات جعلی) نمونه‌ی بارز عدم تناسب.	آیا زور اعمال‌شده متناسب با تهدید واقعی است؟	۲. تناسب
عدم پذیرش صلاحیت ICC توسط آمریکا، روسیه، چین و اسرائیل = فرار از پاسخ‌گویی.	آیا اعمال‌کننده‌ی زور در برابر پیامدها پاسخ‌گوست؟	۳. پاسخ‌گویی
مردم اوکراین نه الحاق به روسیه را خواستند و نه مردم عراق «آزادسازی» آمریکایی را.	آیا مردم هدف (نه دولت‌ها) رضایت دارند؟	۴. رضایت ذی‌نفعان

جدول ۱۲: چارچوب ارزیابی چهاربعدی برای داوری اخلاقی درباره‌ی زور

ه تفاوت‌ها و مشابهت‌ها: کجا موجه، کجا توجیه‌تراشی؟

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های این مقاله این است: آیا تفاوت‌هایی واقعی میان زورِ قدرت‌های مختلف وجود دارد که بتواند رفتار متفاوت را «موجه» (*Justified*) کند؟ یا این تفاوت‌ها صرفاً «توجیه‌تراشی» (*Rationalization*) هستند؟

۱.۵ جدول تفاوت‌ها و ارزیابی

جدول ۱۳: تفاوت‌های ادعایی و ارزیابی: موجه یا توجیه‌تراشی؟

#	تفاوت ادعایی	استدلال مدافعان	استدلال ناقدان	حکم	توضیح
۱	«آمریکا دموکراسی است، پس زورش مشروع‌تر است»	دموکراسی‌ها سازوکار خودتصحیحی دارند (انتخابات، رسانه‌ی آزاد، قوه‌ی قضاییه). مردم آمریکا می‌توانند سیاست خارجی را از طریق رأی عوض کنند.	شواهد نشان می‌دهد مردم آمریکا اغلب اطلاعات ناقص یا جعلی دریافت می‌کنند (مورد عراق). سیاست خارجی آمریکا تقریباً هیچ‌گاه محصول رأی دموکراتیک نبوده. هیچ‌کس برای عراق رأی نداد.	نیمه موجه	تفاوت رژیم واقعی است اما به‌عنوان «معافیت اخلاقی» کفایت نمی‌کند. دموکراسی بودن باید «بازدارنده‌ی» زور باشد، نه «مشروعیت‌بخش» آن.
۲	«آمریکا برای حفظ نظم جهانی مداخله می‌کند، نه برای الحاق»	آمریکا پس از ۱۹۴۵ هیچ سرزمینی را (به معنای کلاسیک) الحاق نکرده. ژاپن و آلمان را بازسازی و آزاد کرد. «نظم مبتنی بر قواعد» (RBO) به نفع همه بوده.	آمریکا الحاق نکرده چون نیازی نداشته — از طریق پایگاه‌ها، تحریم‌ها و نهادهای مالی همان سلطه را بدون هزینه‌ی الحاق اعمال می‌کند. «نظم مبتنی بر قواعد» را خودش تعریف و خودش نقض می‌کند (عراق ۲۰۰۳).	عمدتاً توجیه‌تراشی	«عدم الحاق» ≠ «عدم سلطه». نهادهای بین‌المللی (شورای امنیت، بانک جهانی، IMF) عمدتاً ابزار قدرت غرب هستند. اظهارات اخیر درباره‌ی گرینلند و کانادا حتی این تفاوت ظاهری را هم زیر سؤال برد.

#	تفاوت ادعایی	استدلال مدافعان	استدلال ناقدان	حکم	توضیح
۳	«نیروهای نیابتی ایران تروریست‌اند، شرکای آمریکا نیستند»	حزب‌الله، حماس و انصارالله در فهرست تروریستی آمریکا/اتحادیه اروپا هستند. آن‌ها غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهند.	کنترهای نیکاراگوئه، مجاهدین افغان، و بسیاری «شرکای» آمریکا نیز غیرنظامیان را هدف قرار دادند. «فهرست تروریستی» ابزار سیاسی است، نه حقوقی. نلسون ماندلا تا ۲۰۰۸ در فهرست تروریستی آمریکا بود.	عمدتاً توجیه‌تراشی	«تروریسم» مفهومی سیاسی شده است. برچسب تروریسم اغلب نه بر اساس رفتار بلکه بر اساس «دوست/دشمن بودن» زده می‌شود.
۴	«ارزش‌های غربی (دموکراسی، حقوق بشر) جهان‌شمول‌اند، ایدئولوژی ایران نیست»	اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی و ... توسط اکثر کشورها امضا شده‌اند. این ارزش‌ها «غربی» نیستند، «جهانی» هستند.	تدوین این اسناد در دوره‌ی سلطه‌ی غرب بر نظام بین‌الملل بود. بسیاری از کشورهای امضاکننده تحت فشار امضا کردند. خود غرب بیش از هر کس این اصول را نقض می‌کند (حمایت از عربستان، سکوت در برابر اسرائیل و ...).	نیمه‌موجه	ارزش‌های حقوق بشری ذاتاً ارزشمندند — اما ادعای «جهان‌شمولی» تنها زمانی معتبر است که جهان‌شمول اجرا شوند. اجرای گزینشی = سلطه‌ی پنهان.
۵	«روسیه متجاوز است، ناتو دفاعی است»	ناتو یک اتحاد دفاعی است. کشورها داوطلبانه عضو می‌شوند. حمله‌ی روسیه به اوکراین تجاوز آشکار به حاکمیت ملی.	گسترش ناتو تا مرز روسیه — علی‌رغم قول‌های شفاهی ۱۹۹۰ (بحث جیمز بیکر به گورباچف) — تحریک‌آمیز بود. ناتو در لیبی ۲۰۱۱ «دفاعی» عمل نکرد بلکه تغییر رژیم کرد.	هر دو وجه حقیقت دارد	حمله‌ی روسیه تجاوز است و گسترش ناتو تحریک‌آمیز بود. این دو گزاره متناقض نیستند. مسئولیت اصلی با مهاجم (روسیه) است اما بدون درک بستر، تحلیل ناقص می‌ماند.

#	تفاوت ادعایی	استدلال مدافعان	استدلال ناقدان	حکم	توضیح
۶	«تحریم‌ها جایگزین جنگ‌اند و ابزار صلح‌آمیزند»	تحریم‌ها ابزار فشار غیرنظامی هستند و جایگزین جنگ. بهتر از بمباران است.	تحریم‌های فراگیر (مانند ایران، عراق) در عمل غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهند. مدلین آلبرایت درباره‌ی مرگ ۵۰۰،۰۰۰ کودک عراقی گفت: «فکر می‌کنیم ارزشش را داشت.» ^{۹۰} تحریم‌ها جنگ اقتصادی هستند.	عمدتاً توجیه‌تراشی	تحریم‌های هدفمند (Smart Sanctions) ممکن است موجه باشند. اما تحریم‌های فراگیر که دارو و غذا را هدف بگیرند، «صلح‌آمیز» نیستند — بلکه نوعی جنگ نامرئی علیه غیرنظامیان‌اند.
۷	«استعمار مال گذشته است، اروپای امروز متفاوت است»	اروپا از استعمار عبور کرده. اتحادیه‌ی اروپا بر اساس حقوق بشر، دموکراسی و همکاری ساخته شده. نمی‌توان اروپای ۲۰۲۵ را با اروپای ۱۹۲۵ مقایسه کرد.	ثروت فعلی اروپا محصول قرن‌ها غارت است. هیچ غرامت واقعی پرداخت نشده. فرانسه تا ۲۰۲۳ از کشورهای آفریقایی «مالیات استعماری» (Franc CFA) می‌گرفت. پایگاه‌های نظامی فرانسه هنوز در آفریقا هستند (هرچند در حال عقب‌نشینی).	نیمه‌موجه	اروپای امروز واقعاً با اروپای استعماری تفاوت‌های مهمی دارد. اما: میراث استعمار هنوز زنده است و ساختارهای نواستعماری ادامه دارند. «عبور از گذشته» بدون جبران و اصلاح ساختاری، ناقص است.

#	تفاوت ادعایی	استدلال مدافعان	استدلال ناقدان	حکم	توضیح
۸	«چین مدل متفاوتی ارائه می‌دهد: توسعه بدون مداخله»	چین در آفریقا و آسیا سرمایه‌گذاری بدون شرط سیاسی انجام می‌دهد. مدل چینی «برد-برد» است (بر خلاف مدل غربی «شرط‌محور»).	«تله‌ی بدهی» چینی (<i>Debt</i>) نوعی <i>Diplomacy Trap</i> نواستعمار اقتصادی است. چین اویغورها را سرکوب می‌کند و تایوان را تهدید می‌کند. «عدم مداخله» ادعایی است، نه واقعی.	نیمه‌موجه، نیمه‌توجیه	مدل چینی واقعاً در برخی جنبه‌ها با مدل غربی متفاوت است (عدم شرط دموکراسی). اما: «عدم شرط سیاسی» لزوماً «اخلاقی‌تر» نیست — بلکه می‌تواند به معنای حمایت از دیکتاتورها باشد.

۲.۵ خلاصه‌ی ارزیابی تفاوت‌ها

از ۸ تفاوت ادعایی بررسی شده:

- مورد «کاملاً موجه»: هیچ‌یک از تفاوت‌های ادعایی به‌تنهایی نمی‌تواند رفتار دوگانه را کاملاً موجه کند.
 - مورد «نیمه‌موجه» (#۱، #۴، #۵، #۷): تفاوت واقعی وجود دارد اما برای «معافیت اخلاقی» کافی نیست.
 - مورد «عمدتاً توجیه‌تراشی» (#۲، #۳، #۶): تفاوت ادعایی بیشتر ظاهری است تا واقعی.
 - مورد «هر دو وجه حقیقت دارد» (#۵): واقعیت پیچیده‌تر از دوگانه‌سازی است.
- نتیجه: تفاوت‌های واقعی میان قدرت‌ها وجود دارد و نباید نادیده گرفته شوند. اما این تفاوت‌ها — حتی در بهترین حالت — تنها می‌توانند شدت نقد را تعدیل کنند، نه اینکه معافیت اخلاقی ایجاد کنند.

و فهرست تجمیعی: نمونه‌ها و اتهامات به تفکیک بازیگر

۱.۰ آمریکا

جدول ۱۴: اتهامات و شواهد - ایالات متحده‌ی آمریکا

#	اتهام / عنوان	شواهد اصلی	منبع مستندکننده	پاسخ رسمی آمریکا
۱	الحاق‌گری تاریخی	مکزیک، هاوایی، فیلیپین، پورتوریکو، گوام، ساموآ	هاوارد زین، دنیل ایمروار	«سرنوشت آشکار»؛ «قلمروهای بدون نمایندگی» (وضعیت فعلی)
۲	کودتا علیه دموکراسی‌ها	ایران ۵۳، گواتمالا ۵۴، شیلی ۷۳، کنگو ۶۱	بلوم، چامسکی، اسناد سیا	«مقابله با کمونیزم»
۳	جنگ بدون مجوز	ویتنام، عراق ۲۰۰۳، لیبی ۲۰۱۱ (فراتر از مجوز)	اسناد رسمی سازمان ملل، گزارش چیلکات	«دفاع پیشدستانه»، «ترویج دموکراسی»
۴	شکنجه و بازداشت غیرقانونی	ابوغریب، گوانتانامو، سایت‌های سیاه سیا	گزارش کمیته‌ی اطلاعات سنا (۲۰۱۴)، عکس‌های ابوغریب	«بازجویی پیشرفته» (Enhanced Interrogation)
۵	ترور هدفمند / برنامه‌ی درون‌ها	بیش از ۱۴،۰۰۰ حمله‌ی پهبادی در افغانستان، پاکستان، یمن، سومالی؛ کشته‌شدن غیرنظامیان متعدد؛ ترور سردار سلیمانی (۲۰۲۰) بدون مجوز کنگره	گزارش Bureau of Investigative Journalism؛ پژوهش Costs of War Project دانشگاه براون	«مبارزه با تروریسم»؛ «دفاع مشروع»
۶	نظارت جهانی غیرقانونی	افشاگری‌های ادوارد اسنودن (۲۰۱۳)؛ NSA مکالمات میلیاردی نفر از جمله رهبران متحد (مرکل) را شنود می‌کرد	اسناد اسنودن؛ گزارش‌های گاردین و واشنگتن پست	«امنیت ملی»؛ اسنودن «خائن» نامیده شد
۷	دخالت در انتخابات خارجی	۸۱ مورد مستند دخالت (۱۹۴۶-۲۰۰۰)؛ ایتالیا ۱۹۴۸، شیلی ۱۹۷۰، نیکاراگوئه ۱۹۸۴ و ...	داو لوین (Meddling Box Ballot the in) (۲۰۲۰)	«حمایت از نیروهای دموکراتیک»
۸	تحریم‌های ضد غیرنظامی	عراق (۱۹۹۰-۲۰۰۳): مرگ حدود ۵۰۰،۰۰۰ کودک (برآورد یونیسف)؛ ایران: کمبود دارو و تجهیزات پزشکی؛ کوبا: +۶۰ سال تحریم	گزارش‌های یونیسف، سازمان بهداشت جهانی؛ مصاحبه‌ی آلبرایت (60 Minutes)، (۱۹۹۶)	«فشار حداکثری»؛ «جایگزین جنگ»

۹	حمایت از دیکتاتوری‌ها	شاه ایران، پینوشه (شیلی)، سوهارتو (اندونزی)، موبوتو (زئیر)، مبارک (مصر)، آل سعود (عربستان)، سیسی (مصر)	بلوم، چامسکی؛ اسناد رسمی؛ گزارش‌های هیومن رایتس وچ و عفو بین‌الملل	«ثبات منطقه‌ای»؛ «منافع امنیتی»
۱۰	استفاده از سلاح‌های غیرمعارف / ممنوعه	بمب اتم (هیروشیما و ناگازاکی ۱۹۴۵)؛ نارنجی عامل (Agent Orange) در ویتنام؛ فسفر سفید در فلوجه (عراق ۲۰۰۴)؛ یورانیم ضعیف شده در عراق و صربستان	اسناد نظامی آمریکا؛ گزارش‌های صلیب سرخ بین‌المللی؛ مطالعات اپیدمیولوژیک فلوجه	«ضرورت نظامی»؛ «کوتاه‌کردن جنگ» (بمب اتم)؛ «سلاح‌های متعارف» (فسفر سفید)
۱۱	امپراتوری پایگاه‌ها	بیش از ۷۵۰ پایگاه در ۸۰+ کشور؛ هزینه‌ی سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد دلار فقط برای نگهداری پایگاه‌ها	دیوید واین (Base Nation، ۲۰۱۵)؛ چالمرز جانسون (The Empire of Sorrows)	«تعهدات دفاعی»؛ «تضمین ثبات جهانی»
۱۲	فرار از پاسخ‌گویی بین‌المللی	عدم پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری (ICC)؛ رد حکم دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در مورد نیکاراگوئه (۱۹۸۶)؛ قانون ASPA ^{۹۱}	متن قانون ASPA؛ حکم ICJ ۱۹۸۶؛ بیانیه‌ی بولتون علیه ICC (۲۰۱۸)	«حاکمیت ملی»؛ «سیستم قضایی آمریکا کافی است»

۲.۰ روسیه

جدول ۱۵: اتهامات و شواهد - فدراسیون روسیه

#	اتهام / عنوان	شواهد اصلی	منبع مستندکننده	پاسخ رسمی روسیه
۱	تجاوز نظامی به اوکراین	حمله‌ی تمام‌عیار فوریه ۲۰۲۲؛ الحاق غیرقانونی چهار استان اوکراین؛ بمباران زیرساخت‌های غیرنظامی (نیروگاه‌ها، بیمارستان‌ها)	گزارش‌های سازمان ملل؛ تحقیقات ICC؛ حکم بازداشت پوتین (مارس ۲۰۲۳)؛ تصاویر ماهواره‌ای	«عملیات ویژه‌ی نظامی»؛ «نازی‌زدایی»؛ «حفاظت از روس‌زبانان»
۲	الحاق کریمه	الحاق یک‌جانبه در ۲۰۱۴ پس از همه‌پرسی زیر اشغال نظامی؛ نقض یادداشت تفاهم بوداپست ۱۹۹۴ (تضمین تمامیت ارضی اوکراین)	قطعه‌نامه‌ی ۶۸/۲۶۲ مجمع عمومی سازمان ملل؛ گزارش‌های OSCE	«بازگشت تاریخی کریمه به خانه»؛ «خواست مردم کریمه»

<p>«مبارزه با تروریسم»؛ «دعوت دولت قانونی سوریه»</p>	<p>گزارش‌های Amnesty ؛International تحقیقات مستقل سازمان ملل؛ مستندات دفتر حقوق بشر سازمان ملل</p>	<p>بمباران بیمارستان‌ها و مدارس در حلب و ادلب؛ استفاده از بمب‌های خوشه‌ای و بشکه‌ای (به‌همراه نیروهای اسد)؛ محاصره‌ی غذایی مناطق مسکونی</p>	<p>جنايات جنگی در سوریه</p>	<p>۳</p>
<p>«توطئه‌ی غرب»؛ «شواهد جعلی»</p>	<p>تحقیقات ؛Bellingcat یافته‌های OPCW؛ تحقیقات پلیس انگلیس</p>	<p>مسموم‌کردن لیتوینکو (۲۰۰۶)، لندن)؛ تلاش ترور اسکریپال (۲۰۱۸)، انگلیس)؛ مسموم‌کردن ناوالنی (۲۰۲۰)؛ مرگ ناوالنی در زندان (۲۰۲۴)؛ ترور نمتسوف (۲۰۱۵)</p>	<p>ترور مخالفان سیاسی</p>	<p>۴</p>
<p>«روسیه‌هراسی»؛ «شواهدی وجود ندارد»</p>	<p>گزارش مولر (۲۰۱۹)؛ ارزیابی‌های اطلاعاتی اتحادیه اروپا؛ گزارش‌های مراکز امنیت سایبری</p>	<p>دخالت در انتخابات آمریکا ۲۰۱۶ (گزارش مولر)؛ کمپین‌های اطلاعات نادرست در اروپا؛ حملات سایبری (NotPetya، SolarWinds)</p>	<p>جنگ هیبریدی و اطلاعاتی</p>	<p>۵</p>
<p>«شرکت خصوصی»؛ «ربطی به دولت ندارد» (علی‌رغم شواهد آشکار وابستگی)</p>	<p>تحقیقات UN؛ گزارش‌های The Sentry؛ تصاویر ماهواره‌ای؛ شهادت شاهدان</p>	<p>حضور نظامی خصوصی-دولتی در سوریه، لیبی، مالی، بورکینافاسو، جمهوری آفریقای مرکزی، سودان؛ جنايات جنگی مستند (کشتار موورا در مالی ۲۰۲۲)</p>	<p>گروه واگنر / آفریقا کورپس</p>	<p>۶</p>
<p>«حاکمیت ملی»؛ «قانون داخلی»؛ «مقابله با نفوذ خارجی»</p>	<p>OVD-Info؛ Memorial^{۹۲}؛ Reporters Without Borders</p>	<p>سرکوب معترضان؛ بستن رسانه‌های مستقل؛ قوانین «عامل خارجی»؛ ممنوعیت سازمان‌های مدنی؛ زندانیان سیاسی (بیش از ۸۰۰ نفر برآورد OVD-Info)</p>	<p>سرکوب آزادی‌های داخلی</p>	<p>۷</p>

جدول ۱۶: اتهامات و شواهد - جمهوری خلق چین

#	اتهام / عنوان	شواهد اصلی	منبع مستندکننده	پاسخ رسمی چین
۱	سرکوب اویغورها در سین کیانگ	بازداشت بیش از ۱ میلیون نفر در «اردوگاه‌های بازآموزی»؛ کار اجباری؛ عقیم‌سازی اجباری؛ نظارت فراگیر بیومتریک؛ تخریب مساجد و قبرستان‌ها	اسناد در زکرده (Xinjiang Papers/Police Files)؛ گزارش OHCHR (۲۰۲۲)؛ تحقیقات آدریان زنز ^{۹۳} ؛ شهادت بازماندگان	«مراکز آموزش حرفه‌ای»؛ «مبارزه با افراط‌گرایی»؛ «امور داخلی»
۲	تهدید نظامی تایوان	تمرینات نظامی مکرر؛ عبور موشک‌ها از فراز تایوان (۲۰۲۲)؛ بودجه‌ی نظامی فزاینده؛ قانون ضد استقلال ۲۰۰۵ (اجازه‌ی استفاده از زور)	گزارش‌های وزارت دفاع آمریکا؛ رصد نظامی تایوان؛ بیانیه‌های رسمی پکن	«سیاست چین واحد»؛ «تایوان بخش جدایی‌ناپذیر است»؛ «امور داخلی»
۳	نظامی‌سازی دریای جنوب چین	ساخت جزایر مصنوعی؛ استقرار سامانه‌های موشکی و رادار؛ نقض حکم دادگاه بین‌المللی لاهه (۲۰۱۶) (China v. Philippines)	حکم دادگاه PCA (۲۰۱۶)؛ تصاویر ماهواره‌ای CSIS/AMTI؛ گزارش‌های FONOPs آمریکا	«حاکمیت تاریخی»؛ «خط نه خطی»؛ «حق دفاع مشروع»
۴	سرکوب هنگ‌کنگ	قانون امنیت ملی ۲۰۲۰ (نقض عملی اصل «یک کشور، دو نظام»)؛ بازداشت فعالان دموکراسی خواه (جاشوا وونگ، جیمی لای و ...)؛ بستن رسانه‌های مستقل (Apple Daily)	گزارش‌های HRW؛ Amnesty؛ مستندات دادگاه‌های هنگ‌کنگ	«حفاظت از ثبات»؛ «مقابله با آشوب»؛ «امور داخلی»
۵	اشغال تبت	اشغال نظامی ۱۹۵۰؛ سرکوب قیام ۱۹۵۹؛ تخریب بیش از ۶،۰۰۰ معبد بودایی (به‌ویژه در انقلاب فرهنگی)؛ محدودیت‌های مذهبی و فرهنگی مستمر	گزارش‌های دولت در تبعید تبت؛ اسناد سازمان ملل؛ شهادت پناهندگان تبتی	«آزادسازی تبت از فئودالیزم»؛ «بخش ذاتی چین از قرن‌ها پیش»
۶	دیپلماسی تله‌ی بدهی	وام‌های کلان با شرایط مبهم به کشورهای آفریقایی و آسیایی؛ اجاره‌ی ۹۹ ساله‌ی بندر هامبانتوتا (سری لانکا)؛ بندر گوادر (پاکستان)؛ بدهی‌های کمرشکن جیبوتی و زامبیا	تحقیقات AidData؛ دانشگاه ویلیام و مری؛ گزارش‌های بانک جهانی؛ تحلیل‌های Chatham House	«همکاری برد-برد»؛ «کمر بند و جاده (BRI) طرح توسعه‌ای است»؛ «تله‌ی بدهی روایت غربی است»

«فناوری برای امنیت عمومی»؛ «صادرات تجاری عادی»	گزارش‌های Freedom House؛ تحقیقات Carnegie؛ Endowment؛ ASPI (استرالیا)	سیستم اعتبار اجتماعی (Social System Credit)؛ تشخیص چهره‌ی فراگیر؛ صادرات فناوری نظارتی به کشورهای استبدادی (زیمبابوه، اکوادور، ونزوئلا و ...)	نظارت فراگیر و صادرات آن	۷
--	---	---	--------------------------	---

۴.۰ اروپا: قدرت‌های استعماری سابق

جدول ۱۷: اتهامات و شواهد - قدرت‌های استعماری اروپایی

#	کشور	اتهام / عنوان	شواهد اصلی	منبع	وضعیت پاسخ‌گویی
۱	بلژیک	نسل‌کشی در کنگو	دوره‌ی لئوپولد دوم (۱۸۸۵-۱۹۰۸): کشتار تخمینی ۱۰ میلیون نفر؛ قطع دست‌ها به‌عنوان مجازات؛ کار اجباری برای استخراج لاستیک	آدام هوخچایلد ^{۹۴} ؛ اسناد آرشیو بلژیک	عذرخواهی ناقص پادشاه فیلیپ (۲۰۲۰)؛ بدون غرامت مالی
۲	انگلیس	استعمار هند و قحطی‌های مصنوعی	قحطی بنگال ۱۹۴۳ (۲-۳ میلیون کشته) با مسئولیت مستقیم چرچیل (انحراف غلات به ارتش بریتانیا)؛ کشتار جلیان‌والا باغ ۱۹۱۹ (آمریتسار)؛ چپاول منابع هند به مدت ۲۰۰ سال (برآورد اوتسا پاتنایک: ۴۵ تریلیون دلار) ^{۹۵}	شاشی تارور ^{۹۶} ؛ مادوسری موکرجی ^{۹۷} ؛ اسناد آرشیو ملی بریتانیا	بدون عذرخواهی رسمی؛ بدون غرامت؛ چرچیل هنوز «قهرمان ملی» است
۳	انگلیس	سرکوب در کنیا (مائو مائو)	بازداشت بیش از ۵.۱ میلیون کنیایی در اردوگاه‌های بازداشت (۱۹۵۲-۱۹۶۰)؛ شکنجه‌ی سیستماتیک شامل اخته‌کردن، تجاوز و سوزاندن	کارولین ال‌کینز ^{۹۸} ؛ حکم دادگاه لندن ۲۰۱۳ (پرداخت غرامت ناچیز)	غرامت ناچیز (۲۰ میلیون پوند برای ۵،۲۲۸ نفر در ۲۰۱۳)؛ بدون عذرخواهی رسمی از کنیا

<p>ماکرون «فاجعه» نامید (۲۰۲۱) اما عذرخواهی رسمی نکرد؛ بدون غرامت</p>	<p>فرانتس فانون (دورخیان روی زمین)؛ اسناد آرشیو ملی فرانسه (بخشاً رفع طبقه‌بندی ۲۰۲۱)؛ گزارش بنجامن استورا^{۹۹}</p>	<p>جنگ الجزایر (۱۹۵۴-۱۹۶۲): بین ۳۰۰،۰۰۰ تا ۵۰۱ میلیون کشته الجزایری (برآوردها متفاوت)؛ شکنجه‌ی سیستماتیک (اعتراف ژنرال اوسارس ۲۰۰۰/ماسو ۲۰۰۱)؛ آزمایش‌های هسته‌ای در صحرای الجزایر</p>	<p>جنایات در الجزایر</p>	<p>فرانسه</p>	<p>۴</p>
<p>فرانسه «شریک» نه «استعمارگر» خوانده می‌شود؛ اما موج ضدفرانسوی اخیر (مالی، بورکینافاسو، نیجر ۲۰۲۳) نشان از فروپاشی این روایت دارد</p>	<p>فرانسوا-گزاویه ورشاو^{۱۰۰}؛ توماس بورژیناسیون^{۱۰۱}؛ اسناد درزکرده‌ی ویکی‌لیکس</p>	<p>سیستم فرانک CFA (کنترل ارز ۱۴ کشور آفریقایی تا ۲۰۱۹)؛ بیش از ۴۰ مداخله‌ی نظامی در آفریقا پس از ۱۹۶۰؛ حمایت از دیکتاتورها (بونگو در گابن، دبی در چاد، ...؛ ترور رهبران استقلال‌طلب (توماس سانکارا، بورکینافاسو ۱۹۸۷ - ادعایی)</p>	<p>نواستعمار در آفریقا (Françafrique)</p>	<p>فرانسه</p>	<p>۵</p>
<p>مکزیک درخواست عذرخواهی رسمی کرد (۲۰۱۹)؛ اسپانیا رد کرد</p>	<p>بارتولومه دلاس کاساس^{۱۰۲} (شاهد عینی قرن ۱۶)؛ تحقیقات جمعیت‌شناسی تاریخی</p>	<p>کشتار و به‌بردگی کشیدن بومیان آمریکای لاتین و کارائیب؛ کاهش جمعیت بومی آمریکا از حدود ۶۰ میلیون به ۶ میلیون (۱۴۹۲-۱۶۰۰) - ترکیبی از کشتار، بیماری و کار اجباری</p>	<p>نسل‌کشی بومیان آمریکا</p>	<p>اسپانیا و پرتغال</p>	<p>۶</p>
<p>عذرخواهی رسمی پادشاه اسپانیا (۲۰۲۲)؛ اما بحث غرامت هنوز ادامه دارد</p>	<p>گزارش مؤسسه‌ی NIMH/NIOD (Independence, Decolonization, and Violence in War Indonesia)؛ (۲۰۲۲) عذرخواهی رسمی پادشاه (۲۰۲۲)</p>	<p>۳۵۰ سال استعمار؛ کشتار بومیان باندا (۱۶۲۱)؛ سرکوب خشونت‌بار جنبش استقلال‌اندونزی (۱۹۴۵-۱۹۴۹)؛ «اقدامات پلیسی» (Acties Politionele) - عملاً جنگ تمام‌عیار</p>	<p>استعمار اندونزی و کشتارهای مستقل‌شدن</p>	<p>هلند</p>	<p>۷</p>

جدول ۱۸: اتهامات و شواهد - جمهوری اسلامی ایران

#	اتهام / عنوان	شواهد اصلی	منبع مستندکننده	پاسخ رسمی ایران
۱	سرکوب معترضان داخلی	آبان ۱۳۹۸ (حدود ۱،۵۰۰ کشته - برآورد رویترز)؛ جنبش مهسا/ژینا ۱۴۰۱ (بیش از ۵۰۰ کشته - برآورد HRANA)؛ سرکوب ۱۳۸۸ (جنبش سبز)؛ بازداشت هزاران نفر	HRANA؛ Amnesty International؛ Iran Human Rights (IHR)؛ گزارش‌های رویترز و بی‌بی‌سی	«آشوب»؛ «فتنه»؛ «عوامل بیگانه»؛ «اغتشاش‌گران»
۲	نقض سیستماتیک حقوق زنان	حجاب اجباری؛ گشت ارشاد؛ محدودیت‌های قانونی (ارث، طلاق، سفر، ...)؛ بازداشت فعالان حقوق زنان (نسرین ستوده، نرگس محمدی و ...)	گزارش‌های HRW؛ Amnesty؛ کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل؛ نوبل صلح نرگس محمدی ۲۰۲۳	«حکم شرعی»؛ «قانون داخلی»؛ «غرب حق دخالت ندارد»
۳	حمایت از نیروهای نیابتی	حزب‌الله لبنان، حشد الشعبی عراق، انصارالله یمن، گروه‌های فلسطینی؛ تأمین مالی، تسلیحاتی و آموزشی از طریق سپاه قدس	گزارش‌های سازمان ملل؛ تحقیقات رسانه‌ای؛ اظهارات مقامات ایرانی	«محور مقاومت»؛ «دفاع از مظلومین»؛ «مبارزه با صهیونیسم و استکبار»
۴	برنامه‌ی هسته‌ای	غنی‌سازی تا سطح ۶۰٪ (نزدیک به سطح تسلیحاتی)؛ عدم همکاری کامل با IAEA؛ سایت‌های غیراعلامی (افشاشده توسط آرشیو هسته‌ای ۲۰۱۸)	گزارش‌های IAEA؛ ارزیابی‌های اطلاعاتی غربی؛ آرشیو هسته‌ای (ادعای اسرائیل/آمریکا)	«برنامه‌ی صلح‌آمیز»؛ «حق مسلم ملت ایران»؛ «فتوای رهبری علیه سلاح هسته‌ای»
۵	اعدام‌های گسترده	بیشترین اعدام سرانه در جهان؛ اعدام زندانیان سیاسی ۱۳۶۷ (برآورد: ۳،۰۰۰-۵،۰۰۰)؛ اعدام معترضان ۱۴۰۱ (محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد و ...)؛ اعدام به اتهامات مواد مخدر (اغلب اقلیت‌های قومی)	IHR Norway؛ Amnesty؛ گزارش جاوید رحمان (گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل)؛ اسناد دادگاه ایران تریبونال	«اجرای قانون»؛ «حکم شرع»؛ «مبارزه با مواد مخدر»؛ اعدام‌های ۶۷: «دروغ»
۶	محدودیت آزادی بیان و رسانه	فیلترینگ اینترنت؛ بازداشت روزنامه‌نگاران (ایران در رتبه‌ی ۱۷۶ از ۱۸۰ شاخص آزادی مطبوعات RSF)؛ قطع اینترنت در بحران‌ها (آبان ۹۸: ۷ روز قطع کامل)	CPJ؛ RSF؛ NetBlocks؛ Access Now	«امنیت ملی»؛ «مقابله با شایعه‌پراکنی»؛ «جنگ نرم»

<p>«صدور فرهنگ و ارزش‌ها، نه انقلاب نظامی»؛ «حمایت از مظلومین»</p>	<p>قانون اساسی جمهوری اسلامی؛ بیانیه‌ها و سخنرانی‌های رسمی؛ تحقیقات آکادمیک</p>	<p>صدور انقلاب به‌عنوان سیاست رسمی (قانون اساسی، مقدمه و اصل ۱۵۴)؛ حمایت از گروه‌های شیعه در منطقه؛ تلاش برای بازتولید الگوی ولایت فقیه</p>	<p>صدور ایدئولوژی انقلابی</p>	<p>۷</p>
--	---	---	-------------------------------	----------

ز ماتریس تحلیلی نهایی: رفتار مشابه، واکنش متفاوت

جدول زیر به صورت فشرده نشان می‌دهد که یک رفتار واحد چگونه بسته به بازیگر، واکنش‌های کاملاً متفاوتی دریافت می‌کند.

راهنمای نمادها:

- ✓ = انجام داده / انجام می‌دهد
- ✗ = انجام نداده (یا در مقیاس بسیار کمتر)
- آبی = «مشروع» تلقی شده در گفتمان مسلط
- قرمز = «نامشروع» تلقی شده در گفتمان مسلط
- خاکستری = نادیده گرفته شده / فراموش شده

جدول ۱۹: ماتریس رفتار/بازیگر و برجسب اخلاقی در گفتمان مسلط

ایران	اروپا	چین	روسیه	آمریکا	رفتار
X	✓ «گذشته»	✓ «تهدید»	✓ «تجاوز»	✓ «تاریخ»	الحاق ارضی
X	✓ «تعهد»	✓ «نظامی سازی»	✓ «تهاجم»	✓ «ثبات»	پایگاه نظامی خارجی
✓ «تروریسم»	✓ «مدیریت»	X	✓ «جنگ» هیبریدی	✓ «شرکا»	نیروهای نیابتی
✓ «صدور» انقلاب»	✓ «تاریخی»	X	✓ «بی ثباتی»	✓ «دموکراسی»	تغییر رژیم
✓ «دخالت» فرقه‌ای»	✓	✓ «نفوذ»	✓ «تهدید» دموکراسی»	✓ «حمایت»	دخالت در انتخابات
—	✓ «حقوق بشر»	✓ «اجبار»	✓ «سلاح سازی»	✓ «فشار» صلح‌آمیز»	تحریم اقتصادی
✓ «فاحش»	✓ «چالش»	✓ «نسل‌کشی»	✓ «سیستماتیک»	✓ «استثنایی»	شکنجه / نقض حقوق بشر
X؟ «تهدید» وجودی»	✓ «بازدارندگی»	✓ «تهدید»	✓ «باج‌گیری»	✓ «بازدارندگی»	سلاح هسته‌ای
✓ «یاغی»	✓	✓ «نقض قانون»	✓ «نقض قانون»	✓ «حاکمیت»	فرار از پاسخ‌گویی بین‌المللی

۱. ز. خوانش ماتریس

الگوی آشکاری در ماتریس بالا دیده می‌شود:

۱. آمریکا و اروپا (متحدان): تقریباً تمام رفتارها با رنگ آبی (مشروع) یا خاکستری (نادیده) مشخص شده‌اند.
۲. روسیه، چین و ایران (رقبا/دشمنان): تقریباً تمام رفتارها - حتی رفتارهایی که مشابه دقیق رفتار آمریکاست - با رنگ قرمز (نامشروع) مشخص شده‌اند.
۳. ایران - حالت خاص: ایران در برخی مؤلفه‌ها (الحاق ارضی، پایگاه نظامی) اساساً رفتاری مشابه ندارد، اما باز هم برچسب منفی دریافت می‌کند (مثلاً: «توسعه طلبی ایدئولوژیک» - حتی بدون الحاق ارضی).
۴. متغیر تعیین‌کننده: رنگ برچسب (آبی/قرمز/خاکستری) نه بر اساس نوع رفتار بلکه بر اساس هویت بازیگر تعیین شده - و این دقیقاً تعریف دوگانه‌ی اخلاقی است.

ح جمع‌بندی نهایی پیوست‌ها

ح.۱ آن‌چه شواهد نشان می‌دهند

مجموع شواهد ارائه‌شده در این پیوست‌ها - از ۱۶ صاحب‌نظر و ده‌ها اثر آکادمیک تا ده‌ها نمونه‌ی تاریخی مستند - به روشنی نشان می‌دهد:

(آ) دوگانه‌ی اخلاقی واقعی است: رفتار مشابه از سوی بازیگران مختلف، برچسب‌های اخلاقی و حقوقی کاملاً متفاوتی دریافت می‌کند.

(ب) این دوگانه ساختاری است، نه تصادفی: نظام بین‌الملل - از شورای امنیت تا نهادهای مالی و رسانه‌ای - به شکلی طراحی شده که قدرت‌های مسلط از پاسخ‌گویی معاف باشند.

(ج) نقد این دوگانه منحصر به یک جریان فکری نیست: واقع‌گرایان (میرشایمر)، محافظه‌کاران (بیسویچ)، چپ‌ها (چامسکی)، پسااستعماری‌ها (سعید، فانون) و پژوهشگران آماری (لوین، واین) همگی - از زوایای مختلف - به نتایج مشابه رسیده‌اند.

(د) تفاوت‌های واقعی وجود دارد اما کافی نیست: تفاوت‌های کیفی میان رژیم‌ها (دموکراسی/استبداد، سازوکار خودتصحیحی و ...) واقعی‌اند و نباید نادیده گرفته شوند. / اما این تفاوت‌ها حداکثر می‌توانند شدت نقد را تعدیل کنند - نه اینکه معافیت اخلاقی ایجاد کنند.

(ه) مصادره‌ی نقد توسط استبداد خطری واقعی است: رژیم‌های استبدادی (از جمله جمهوری اسلامی) از نقد غرب برای توجیه سرکوب داخلی استفاده می‌کنند. راه‌حل: نقد همه‌جانبه - نقد غرب و هم‌زمان نقد استبداد داخلی - نه سکوت در برابر هیچ‌کدام.

ح.۲ پیشنهاد نهایی: اصل «آینه‌ی برابر»

بر اساس تمام شواهد و تحلیل‌های ارائه‌شده، این مقاله اصل «آینه‌ی برابر» (*Principle Mirror Equal*) را پیشنهاد می‌کند:

هر حکم اخلاقی، حقوقی یا سیاسی درباره‌ی رفتار هر بازیگری (دولت، سازمان، فرد) تنها زمانی معتبر و مشروع است که حاکم‌کننده‌ی آن حکم، حاضر باشد همان حکم را - با همان شدت و جدیت - بر خودش و متحدانش نیز اعمال کند.

این اصل ساده اما قدرتمند - اگر جدی گرفته شود - بخش بزرگی از دوگانه‌سازی اخلاقی در سیاست بین‌الملل و داخلی را آشکار و بی‌اثر می‌سازد.

«حقیقت، اولین قربانی جنگ است.»

- آیسخولوس

اما شاید بتوان افزود: «و یکسانی معیارها، دومین قربانی.»

منابع تکمیلی پیوست‌ها

مراجع

- Chomsky, N. (1969). *American Power and the New Mandarins*. Pantheon Books. [۱]
- Herman, E. S., & Chomsky, N. (1988). *Manufacturing Consent: The Political Economy of the Mass Media*. Pantheon Books. [۲]
- Chomsky, N. (1991). *Deterring Democracy*. Verso. [۳]
- Chomsky, N. (2003). *Hegemony or Survival: America's Quest for Global Dominance*. Metropolitan Books. [۴]
- Chomsky, N. (2006). *Failed States: The Abuse of Power and the Assault on Democracy*. Metropolitan Books. [۵]
- Chomsky, N. (2016). *Who Rules the World?* Metropolitan Books. [۶]
- Mearsheimer, J. J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. W.W. Norton. [۷]
- Mearsheimer, J. J. (2018). *The Great Delusion: Liberal Dreams and International Realities*. Yale University Press. [۸]
- Walt, S. M. (2018). *The Hell of Good Intentions: America's Foreign Policy Elite and the Decline of U.S. Primacy*. Farrar, Straus and Giroux. [۹]
- Mearsheimer, J. J., & Walt, S. M. (2007). *The Israel Lobby and U.S. Foreign Policy*. Farrar, Straus and Giroux. [۱۰]
- Bacevich, A. J. (2002). *American Empire: The Realities and Consequences of U.S. Diplomacy*. Harvard University Press. [۱۱]
- Bacevich, A. J. (2008). *The Limits of Power: The End of American Exceptionalism*. Metropolitan Books. [۱۲]
- Bacevich, A. J. (2020). *The Age of Illusions: How America Squandered Its Cold War Victory*. Metropolitan Books. [۱۳]
- Blum, W. (1995). *Killing Hope: U.S. Military and CIA Interventions Since World War II*. Common Courage Press. [۱۴]
- Blum, W. (2000). *Rogue State: A Guide to the World's Only Superpower*. Common Courage Press. [۱۵]

Johnson, C. (2000). *Blowback: The Costs and Consequences of American Empire*. [۱۶]
Metropolitan Books.

Johnson, C. (2004). *The Sorrows of Empire: Militarism, Secrecy, and the End of* [۱۷]
the Republic. Metropolitan Books.

[۱۸]

مراجع

- [۱] مورگنتا، هانس. سیاست میان ملت‌ها: تلاش برای قدرت و صلح ترجمه‌ی حمیرا مشیرزاده. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴.
- [۲] چامسکی، نوام. هژمونی یا بقا: جستجوی آمریکا برای سلطه‌ی جهانی. ترجمه‌ی ... تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- [۳] والتز، کنث. نظریه‌ی سیاست بین‌الملل. ترجمه‌ی ... تهران: ...، ۱۳ ...
- [۴] میرشایمر، جان. تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ. ترجمه‌ی ... تهران: ...، ۱۳ ...
- [۵] سعید، ادوارد. شرق‌شناسی. ترجمه‌ی ... تهران: ...، ۱۳ ...
- [۶] سخترانی مارک کارنی در اجلاس داووس، ژانویه ۲۰۲۵.